

# قیام اسلام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

حسینی مشکان

## از ما نخورده باشی

درین چند هفته‌ها هدا نواع تازه‌یسی از گروگان‌گیری بودیم که اکنون رژیم آیت‌الله آن را آشکارا بعنوان یک حربه سیاسی بکار می‌برد.

در تهران، یک روزنا مه‌نگار را امریکایی با زدا شت شد با سعبارت سادتر، گروگان گرفته شد، این روزنا مه‌نگار را امریکایی "جرالد ساید" فرستاده ویژه روزنا مه متنفذ و پرنسیراز" وال استریت جورنال" بود که طبق دعوت جمیوری اسلامی، با گذرنا مهرسی وروا دیدمعتبر، همرا با گروه دیگری از روزنا مه‌نگاران خارجی به منظور تهیه گزارش از اوضاع جنگ به ایران سفر کرده بود و بعد از آنکه ورا به جبهه بردند و با زگرداندند و درصاحب حدت الاسلام رفتنجاننی هم حضور با فست ناکهان به آنها مجا سوسی واستفاده از گذرنا مه‌جلی با زدا شت شد.

بقیه در صفحه ۱۱۳

## پیام دکتر شاپور بختیار

### به کمیسیون روابط خارجی احزاب دموکرات مسیحی

آقای رئیس، خانم‌ها، آقایان

با استفاده از فرصتی که در نتیجه حسن ابتکار شما در اختیار نهضت مقاومت ملی ایران قرار گرفته تا در جها رچوب محدودیت زمانی تعیین شده حقایقی دربارۀ ایران در اختیار شما گذاشته شود مفید دانستم توجه شما را به بارهای نکات اساسی این مسئله حاد جلب کنم.

اولین جنبه این مسئله جنگ خانمانموز و بی معنایی است که از سال ونیم پیش بدینطرف میان ایران و عراق پیدا می‌کند و تعداد تلفات و دامنشده فاجعانی که برای طرفین برجا گذاشته هر روز بیشتر عقل را دجا رحیرت می‌کند، جنگی که آخرین تعرض بزرگ آن که از جانب جمهوری اسلامی آغاز گردیده و هم اکنون

شده در صفحه ۲

نادر نیک‌بین

## هشدار شوروی

دولت شوروی "بیری دلیل راه" بشمار می‌آید، به‌علی اکبر ولایتی گفت که جمهوری اسلامی باید هر چه زودتر به این جنگ خونین پایان دهد و نگذارد که کورستانها بشی بیش از این از کشتگان جنگ بر شود.

این سخنان که خبرگزاری "تاس" آن را "صریح وجدی" خوانده است، از زبان بقیه در صفحه ۱۱

## گژدم آخوندی

علی اکبر ناطق نوری، وزیر پیشین کشور و نماینده کنونی مجلس در جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی پیش از دستور می‌گوید که در مجلس اسلامی و بیرون از آن، به اصطلاح "سزکان قوم" و روحانمان نامسدار چنان مورداهانت قرار می‌گیرند که حتی در رژیم شاه نیز "کسی جرات چنین هتاک را نداشت."

بقیه در صفحه ۴

## هیئت نمایندگی نهضت

### در پارلمان اروپا

بختیار را فراتر کرد بهس آقای وزیر بصرفی نهضت مقاومت ملی و جهت عقیدتی آن برداخت، آقای صدیقی، مظالمی دربارۀ جنگ ایران و عراق و قرار داد اجزا بر اظها ردا شت، آقای مجلسی طی بیانات گوناگونی در لایحه‌ای که اعضای هیئت در انگلستان بتصویب پارلمان انگلستان رسانده بودند تقدیم رئیس جلسه کرد. در این دولایحه تحریم فروش اسلحه و لوازمیدکی بکشورهای ایران و عراق و جماعتاً از بوزیسیون دموکرات ایران، موردتذقا با بود.

پسنگام طرح سئوالات، یکی از نمایندگان بلژیک از نوع گروه‌های که در بوزیسیون ایران فعالیتد سئوال کرد و یکی از اینان توان بقیه در صفحه ۲

روز دوشنبه ۹ فوریه هیئتی از نهضت مقاومت ملی ایران در جلسه کمیسیون اروپا، که در سخنان پارلمان اروپا در بروکسل تشکیل شد شرکت کردند. اعضای هیئت آقایان مادی مدریه، علی شاکری، شاموخ وزیر بودا ریوش مجلسی با عت ۲ بعد از ظهر وادسا لکن کنفرانس شدند، بعد از یخش کتابچه‌ای بی‌زبانهای انگلیسی و فرانسسه شامل اطلاعاتی دربارۀ اصول فکری نهضت و عقاید دکترنا پوربختیار، رئیس جلسه آقای "اسملز" از هلند به معرفتی هیئت برداخت و خوش آمدگفت، اعضا، حاضر در جلسه حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر از کشورهای مختلف با زار مشترک بودند. ابتداءً آقای شاکری پیام دکترنا پور

بهمن خجسته

## فقط یک پناهگاه

مفیس جها نی، آن استکه اروپا در آن درگشود.

بقیه در صفحه ۳

بنا زکی یک روزنا مه آلمانی نوشته بود که با وجود تنشهای شدید میان شرق و غرب، بیش از چهل سال است که جها نی از نعمت صلح برخوردار است. وی افزود موازینهای که صلح جها نی را در این مدت با لنسبه طولانی تاء مین کرده است، هر چند "موازین" وحشت "نامدارد، ولی بهر حال چون باعث برقراری صلح شده، باید به دیده مثبت در آن نگریست.

وقتی یک ایرانی این نوشته را می‌خواند، نمی‌تواند خشم خود را به آسانی فرو خوردا زاینکه برای اروپا ثبات اگر در اروپا جنگی نباشد، صلح، آنهم در مقیاس جها نی، برقرار است، و جنگ، با زهم در

## بهاران‌های تهران

از ۲۲ تا ۲۶ بهمن ماه تهران ۱۰ بار بهاران شد. گاه ۳ بار ظرف یکروز، به این ترتیب مرحله جدید جنگ شهرها، دانگبر شهر تهران هم شد.

روز پنجشنبه هوا بیما های عراقی ۱۰ شهر ایران را بمباران کردند و تهران نیز ۳ بار بمباران شد: صبح زود ساعت ۸ شب و اندکی پس از نیمه شب.

اما مقام‌های جمهوری اسلامی دربارۀ جزئیات بمبارانها و انفجارها تا به حال حرفی نزده اند و تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی به سخن تصاویر آن نمی‌برد.

وسایل ارتباط جمعی رژیم دربارۀ بمباران صبح پنجشنبه فقط گفتند: یک بمبار در شمال شرق تهران، موجب بقیه در صفحه ۲

## چرا جنگ داخلی؟

اگر رژیم خمینی فروریزد، آیا اگر خمینی بمیرد و جانشین او از درون رژیم اسلامی نتواند قدرت را قبضه کند، آیا جنگ داخلی در ایران درخواهد گرفت؟ آیا در این جنگ داخلی، نیروهای چپ فرصتی برای بقدرت رسیدن بدست خواهند آورد، و اگر نتوانند بر اوضاع مسلط شوند، راه دخالت قدرتی بیگانه را در ایران هموار خواهند ساخت؟

چنین پرسش‌هایی گاه در مطبوعات بین‌المللی مطرح می‌شود و گزارشگران و مفسران، بنا به سلیقه یا جهتگیری سیاسی و با آرزوی خویش، می‌گویند یا سخنان بدهند و اگر فرصتی دست داد، چنانچه می‌بینید.

بقیه در صفحه ۴

## قیام ایران دو هدفندگی

در صفحه ۳

### هیئت نمایندگی نهضت در پارلمان اروپا

بقیه از صفحه ۱

با سده ملزمتک در پارلمان اروپا مطالب  
کونا هی دربارۀ فعالیت گروههای مذهبی  
افراطی مسلمان در کشورهای امریکای  
اطیار دادند. نماینده‌های اروپا از  
حکومتی نماینده نهضت مردم ایران  
سئوالاتی کرد و نماینده هیئت نمایندگی  
خوابگاه‌های مسکونی بی‌بهره و  
احزاب دموکرات مسیحی بدآت‌گرایان  
سخنران نماینده‌های در جلسه بود که  
مطالبی دربارۀ کنعراست ضلعی مونیخ و  
گروه‌های لوت و نماینده‌های نهضت  
دموکرات مسیحی نماینده‌ها را دانستند و معتقد  
بودند که احزاب دموکرات مسیحی با  
اسحاب تاریخی خود را یکپارچه و نهضت  
مقاومت ملی ایران را بعنوان سرگرمی  
گروه دموکرات مسیحی نوریسون ایران  
تکامل و آن حمایت معنوی بنماستند.  
آقای مجلسی در حاشیه‌های جلسه  
سهراست مجلسی را که هیئت نمایندگی  
نمایان کرده و حقیقتاً از اعطای قلمرو  
بر خاسته بعنوان خدا حافظی و یادآوری  
ایران را در آرم آقای رئیس‌جمهور  
آنها بیان شد در برابر اسباب  
تاریخی قرار گرفته‌اند. نماینده‌ها  
میخواهند انتخاب کنند و برنده‌ها  
از آنها هم‌اکنون استفاده‌های گوناگون  
است. نماینده‌ها تا ریخی که سنیان  
ارجنگ دوم چنانچه مرکب شده و در باره

اسانین و هیئت‌ها رخسای با مرده‌شدند  
مرکب نشوید، ما ملاقاتی را با شما  
در هلسند، سوئد و اینجا داشته‌ایم. دگر  
در آینده نمی‌شود. نماینده‌ها  
ما هیئت رژیم ایران و عقاید ما  
نمایند و هیئت‌ها را دیگر نمی‌توانند  
آینده از خود رفع مسئولیت کنند.  
حنا نما در ایران موفق نشویم  
آلترنا تپوهای خطرناکی در انتظار  
ولایت ایران و هیئت‌ها را در انتظار  
منطقه دموکراسی غربی و صلح جهانی  
است. نماینده‌ها می‌کنند که هیئت  
معددی معتقد بودند که ما اینجا  
ما زورگانی نزدیک ما رژیم اسلامی  
در محصور به رعایت اعتدال می‌کنند و  
در حقیقت از آن روز تا بحال فعالیت‌های  
حمکی رژیم را عملی تروریستی در  
سپاه رویداد گذاشته و نزدیک  
با رژیم‌های تجزیه‌گرای سوسیالیست  
ما هم‌اکنون که ما هدیه می‌کنیم.  
ما را بر گرفتن مردم بیگانه  
سپاه از سر و سر و سر و سر و سر و سر  
استودیوی را دیوید و دیوید و دیوید  
در یک مصالحه را دیوید و دیوید و دیوید

(\*) متن پیاپی در همین شماره جداگانه  
جای شده است

## پیام دکتر شاپور بختیار به کمیسیون روابط خارجی

### احزاب دموکرات مسیحی

بقیه از صفحه ۱

دست‌و‌پایی که در وجودشان تجسم یافته  
اقدامات نیم‌پندوسیاست دست‌رویدست  
گذشتن و دادن امتیاز حاصلی شده‌اند  
همانگونه که من از ابتدای بروز این  
بیماری تاکنون همواره تکرار کرده‌ام  
علاج آن تنها در ریشه‌کن ساختن آن است.  
شماره کردن آنهاست به آزادی و حرمت  
انسانی، بویژه در کشوری با داده‌های  
جمعیت‌شناختی و استراتژیکی ایران  
نمی‌تواند خالی از نتایج وخیم در زمینه  
بین‌المللی و خاصه برای صلح جهانی  
باشد.

اگر چه در این مورد طرف‌دینفع اصلی  
ملت ایران است که آزادی دموکراسی و  
مقاومت در برابر حکومت جبار را قریب  
یک قرن پیش تاکنون برای او شمره‌ای  
اندک بی‌آزوده است و این خودمطلبی  
است که شه‌شیرزمینه‌شویولیتیک و رفتار  
قدرت‌های خارجی در آن تا چیز نشده  
معدلک‌نیا بدچنین نتیجه گرفت که  
کشورهای دموکراتیک غرب با بدنسبست  
به آینده دموکراسی در کشور ما بی‌اعتنا  
باشند، بدتر از این، با رفتاری آمیخته  
به ضعف و مصالحه آمیزه نظام جبار آن  
کمک کنند.

ملت ایران در مجموع خود دموکرات‌هایی  
که نماینده‌های آلمان‌های واقعی هستند  
بهمان اندازه به همدردی و همبستگی  
دموکرات‌های مغرب‌زمین نیازمندند  
که اینان نیز به توبه، خودنمی‌توانند  
زمان درازی از وجود یک دولت ایرانی  
دموکراتیک، با ثبات، تکران صلح  
جهان و سزای احترام جامعه بین‌المللی  
بی‌نیاز باشند.

ایران هرگز نخواهد مرد

### بهاران‌های تهران

بقیه از صفحه ۱

خساراتی شدند و نفرکشته شدند. همین  
کلی‌کویی دربارۀ بهاران‌های  
بهدی‌آدا شده است.  
روزیگسسته ۲۷ بهمن ما در نیزت‌های  
مختلف ایران بهاران‌ها، و در عین  
حال، دوهوا سیمای میراث عراقی، بر  
اسرملیک سوک‌های زمین به‌هوا  
ها و گاز سوزی جمهوری اسلامی، برقرار  
نبرهای اصقان و مسجد سلیمان سا قسط  
شد و یک قلان اسر کردید.  
بی‌آزادین بهاران‌ها، بهر همین  
موسوی نخست وزیر روزگسسته سردم  
ایران را در محدوده‌های ده‌های بسیج  
عمومی در برابر بهاران‌ها، بی‌سسته  
مقاومت بیشتر در برابر بهاران‌های  
خواهی دعوت کرد.



### اعترافات

#### حاسوس انگلیسی!

بدنیال اعترافات تلویزیونی را جر  
کوپر با زرگان انگلیسی، وزارت امور  
خارجه بریتانیا بشدت به جمهوری اسلامی  
اعتراف کرد.  
پنجشنبه ۵ فوریه، تلویزیون جمهوری  
اسلامی فیلمی از "جر کوپر" نشان داد  
که طی آن وی اعتراف کرده نفع دولت  
انگلستان در ایران را جاسوسی می‌کرده  
است. جر کوپر با زرگان ۵۱ ساله  
انگلیسی یک سال قبل در ایران دستگیر  
شود و در ماه گذشته منتهم به جاسوسی  
گردید.

وزارت امور خارجه انگلستان روز جمعه  
۶ فوریه به شدت در این باره جمهوری  
اسلامی اعتراف کرد و اعترافات را جر  
کوپر را ساختگی خواند.  
به گزارش خبرگزاری فرانسه، سخنگوی  
وزارت امور خارجه بریتانیا اعلام کرد  
آخوندزاده کاردار جمهوری اسلامی در  
لندن، به وزارت خارجه انگلستان اظهار  
شکوه و زاری کرد و ادعا کرد که او و همکاران  
وی اعلام کردند که بخش‌هایی از  
ساختگی و غیر قابل درک و به کلی غیر  
قابل قبول است. به گفته سخنگوی  
وزارت امور خارجه بریتانیا، کاردار  
انگلستان در تهران دستور یافته است  
از مقامات جمهوری اسلامی خواست تا  
توضیح فوری در این باره شود.  
وزارت امور خارجه انگلستان ضمن آن که  
اعلام کرد جر کوپر با بدفوراً آزاد  
شود و ردیگر رژیم تهران حواسسته  
نمایند، کنسولی انگلستان در تهران  
اجازه داده شود در زندان اوین  
را جر کوپر ملاقات کند.  
با زرگان انگلیسی در اعترافات تلویزیونی  
خود، اظهار داشت که ما زمان جاسوسی  
انگلستان در دستکارا دارای جمهوری  
اسلامی، با تک‌ها، رفتن و بازمان  
تهران نفوذ کرده‌است.  
خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع  
مطلع در تهران، گزارش داد که قسار  
است فیلم‌کامل اعترافات را جر کوپر  
برودی از تلویزیون جمهوری اسلامی  
بخش شود.



### سائگرد فاجعه

نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان  
با صدور اعلامیه‌ای به مناسبت سالگرد  
فاجعه ۲۲ بهمن ۵۷ و بیباکانه‌ای استقرار  
رژیم جمهوری اسلامی، از مردم بیسواران  
خواست که متحد و یکجا رجه در راه مبارزه  
دادن به جنگ و برقراری حاکمیت ملی  
مبارزه را پیش‌بینی گسترش دهند.  
در بیان اعلامیه‌ها از آشا ربه‌جکونگی روی  
کار آمدن جمهوری اسلامی آمده است:  
اکنون مردم میهن ما روزانه‌های گزافی  
بخاطر موجودیت این رژیم می‌بازند.  
جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین قدمی  
در راه ایجاد درقا و آسایش مردم برداشته  
و نه تنها کمترین آزادی و حقوق اولیه  
مردم را به آنان از راهی ندادشته است  
بلکه از همان روزهای نخست با اعدا‌های  
انقلابی، انتخابات قلابی و با لاشه  
تشبیه حکومتی بر مبنای آراء و خواست  
"ولایت فقیه" عملاً بر تمام رزها  
مردم آزاده ایران برای رسیدن بدانها  
قبلاً مکرده بوده، خط بطلان کشید.  
ایران در شرایطی که مکران هم‌بوده صلح  
از طریق گفتگو و مذاکره فرا هم‌بوده است،  
دلیلی برای آدامه جنگ نمی‌بینند، ولی  
رژیم خمینی جنگ را رحمت و برکت تلقی  
می‌کند و کمالات آن را وسیله‌ای در خدمت  
پیشبرد هدف‌های خود یعنی توسعه انقلاب  
اسلامی به کشورهای منطقه و جهان می‌داند.  
نتیجه کشته‌شدن مدها هزار ایرانی،  
ویرانی مراکز صنعتی و خانوارها و کشته  
مردم میهن ما بوده است.

در بیان اعلامیه خود، نهضت مقاومت  
ملی ایران شاخه آلمان، تاء کیده می‌کند:  
نهضت مقاومت ملی ایران به عنوان  
سازمانی دموکراتیک در صدد است با الهام  
از بنیاد ملت ایران، رژیم ملامت‌ها  
سرسنگ کند و با بیان دادن به جنگ  
خانما نسوزگنونی و استقرار حاکمیت  
ملی و دموکراسی به خواست‌های به حق  
مردم ایران جامعه عمل بیوشاند، پس از  
سالها جنگ و دیکتاتوری، اکنون زمینه  
اقدامات جدی در این راه پیش‌بینی  
وجود دارد و نهضت مقاومت ملی ایران به  
رهبری دکتر شاپور بختیار را زکات  
هموطنان آزاده انتظار دارد که تمام  
کوشش و توان خود را در این شرایط بحرانی  
و حساس مملکت، برای تحقق بخشیدن به  
هدف‌های یاد شده و استقرار یک حکومت  
ملی بکار گیرند.



# گژدم آخوندی

بقیه از صفحه ۱

و جان کلام، درست در همین جا است. در آستانه نهمین سالگرد انقلاب اسلامی و بقدرت رسیدن حکومت خمینی، چینی سخنانی، نهم زبان یکی از سرشناسترین کارگزاران رژیم، برآستی شنیدنی است. هیچ چیز چون بقدرت رسیدن حکومت ملاحظه نمی توانست ما هیت چنین حکومتی را بر ملا گرداند. آنان که در مجلس شورای آخوندی، به کارگزاران این حکومت دشنام می دهند، در واقع ناسزای می گویند، آنچه را می گویند که سزاوار است، دست کم یک مورد پیدا شده است که برخی نمایندگان مجلس اسلامی زبان حال اکثریت ملت ایران با شنیدن رژیم آخوندی دارکژدم وار خود بر سر خویش نبش می زند.

این حکایت از آن دارکژدم جریان زوال رژیم، که زهان نخستین ماههای پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد، شتاب بیشتری یافته است. دیگر هیچ چیز نمی تواند جلوی این سقوط شتابان را بگیرد. آیت الله خمینی که هر چند نگاه یک با رمی خوانست ترمزها را بکشد و حرکتی با زکشت به سوی زوال را ندکی کند تر کند، امروز با دیگرانی آن ندارد که ترمزها را بکشند اینک دریا فتنه است کشیدن ترمزها دیگر سودی ندارد از زوال امور چنین برمی آید که بودن یا نبودن او دیگر در سرنوشت رژیم اسلامی تا شیرت تعیین کننده ای نخواهد داشت. با خمینی یا بدون خمینی - سقوط ادامه دارد.

شیخ صادق خلخالی، این دست سرکوبگر خمینی، انگار که دستخوش چیزی چون سرنوشت وجدان شده باشد، در یک سخنرانی پیش از دستور می گوید: "تاوان کارهایی را که من کرده ام با پیدا فرادخا نواده ام تا هفت نسل بعد بر دایم، و من این را در وصیت نامه من نوشته ام."

در مجلس اسلامی، دشنام به زمامداران قوم از کدام زبانها جاری است؟ چه چیز سبب گردیده است که صادق خلخالی نبش عذاب وجدان را بر روح خونریز خویش احساس کند؟ با سخ هر چه باشد، یک نکته مسلم است، و آن اینکه دیگر هیچ سد و مانعی نمی تواند جلوی گسترش و نفوذ احساس همگانی جامعه ایران را بگیرد. سدی که رژیم اسلامی در برابر احساس همگانی جامعه ایران بوجود آورده است، دیگر نقش بازی زنده ندارد، بلکه محل برخورد، محل منازعه احساس همگانی و تجلیات رژیم است و بسیار بیشتر از آن که بتواند زکشتش این احساس جلوگیری کند، در برابر هجومی که آن ترک برمی دارد و به شکستن و فروریختن نزدیکتری می گردد.

هشت سال پیش، هنگامی که آخوندها به قدرت رسیدند، واقع بین ترین ناظران و مفسران نیز عمری بیش از پنج سال برای آن قائل نبودند، کی سنجس،

بقیه از صفحه ۱

ولی ختم انسان ایرانی هنگامی بیشتر بالایی گیرد که در آن روزنا هم می خواند قدرت های بزرگ این بصیرت را داشته اند که آتش جنگ را از نقطه های مرکزی جهان، به مناطق حاشیه ای دنیا انتقال دهند، بی آنکه پای خودشان بدان کشیده شود. و این خشم این بار متوجه قدرت های بزرگ نیست، بلکه متوجه رژیم ها می شود که، در آنست ها نداشتند، آتش جنگ ها را

دام می زنند. اگر در گذشته، غرب خود درگیر جنگ می شد و در نتیجه سلاحهای ساخت کارخانه های اسلحه سازی خود را مصرف می کرد، امروز می گذارد که دیگران با سلاحهای و بخت کنند، بی آنکه خون انسان غربی بر خاک ریخته شود. خمینی آب به آسیاب کارخانه های اسلحه سازی می ریزد. خمینی کمک کرده است که آتش جنگ بسه نقاط حاشیه ای جهان منتقل کرده. برای اسلحه فروشان جهان همین به حساب می آید، آنها را از شعارهایی که خمینی می دهد، پروا نمی است.

برای سیاستمداران جهان غرب، جنگ جمهوری اسلامی با عراق، حداکثر یک جنگ فراموش شده است. مهم برای آنان - فقط این است که سلاحهایشان مصرف شود، و هیچ باکی از این نداشتند که قریباً نیا ن جنگ در برابر سلاحهای مرگبار وسیله ای برای دفاع دارند یا ندارند. در واقع نیز، هنگامی که سخنگوی شورای عالی دفاع، نخست وزیر، و وزیر کشور جمهوری اسلامی به مردم فقط توصیه می کنند که در خانه های خود پناه بگیرند، بیایند زان حمله های هوایی مسموم باشند، دیگر چه توقعی می توان از سیاستمداران خارجی داشت؟

که همواره بانگای سرد و حسا بگرا صورت سیاسی جهان را می نگیرد، حتی گفته شده بود که این رژیم بیش از یک سال نخواهد پاید. با این همه مجموعه ای از اوضاع و احوال بین المللی - مساعده حال رژیم و بسیار ناصا عد برای ایران - سبب گردید رژیم آخوندی عمری هشت ساله پیدا کند. درست برابر با سالهایی که آیدی امین در اوگاندا پاید؟ ولی این برآورد ها هرگز مانع از آن نشد که مشا هده کنندگان و مفسران، جدی تر در این پیش بینی خود تجدید نظر کنند، که حرکتی با زکشت رژیم اسلامی به سوی سقوط است. اگر در مساعده ها عدم دقتی وجود داشت، در سرعت این حرکت بود نه در جهت آن.

رژیم تهران، با هرالی که از عمرش گذشت، طرفداران بیشتری را از دست داد و به همان میزان مخالفان بیشتری پیدا کرد. در آغاز انقلاب اگر کسی می گفت که حکومت پایکا به مردمی ندارد، به همتان اندازده چا را اشتباه شده بود که امروز بگوید حکومت پایکا به مردمی دارد.

هیچ برآورد متکی به واقعیتی بیش از ده درصد طرفدار برای رژیم قائل نیست. تازه از میان این ده درصد به شواوری می توان میان معتقدان واقعی و فرصت طلب ها و تان به نرخ روز خورها

# فقط یک پناهگاه

مردم بیگنا در جنگ به حداقل برسد؟ و شما را ز این نیستید که بی از این همه غفلت از امنیت مردم و بی اعتنائی به جان آنان، به جای آنکه خود تقصیر را به گردن گیرید، کنا د آنها را به گردن مردم می اندازید؟

آقای خمینی که در سخنرا نیها پیش خسته از این نمی شود که بگوید "ریشه فساد را باید کند" چرا در مورد جنگ این ریشه کنی را فراموش کرده است؟ چنان می پذیرد که ریشه همه این کشتارها و ویرانی ها که به دولت مسلمان می رود، در خود جنگ است؟

اگر جنگ یا یا ن یا بد، نه مدرسه ای بمباران خواهد شد نه بیما رستانی، نه کارخانه های به موشک بسته خواهد شد نه کشتی نفتکش. ولی اگر برایش همه دلیلی که علیه جنگ وجود دارد، دلایل بسیار دیگری نیز بیفزایم، خمینی دست از جنگ برنخواهد داشت. تا وان جنگی را که او می خواهد، دولت ایران و عراق دارند می بردند. با این همه حجت الاسلامهای ریز و درشت رژیم تهران می توانند توصیه ای به او بکنند، و آن اینکه به جای ساختن بنا ها که می کشد غیر ممکن است، کاری بکنند که ممکن است: یک پناهگاه در جماران یا هر جای دیگری برای خود بسازد و در عوض، شبکه دفاعی جماران را به دفاع از مناطق مسکونی اختصاص دهد.

در این شهرهای انباشته جمعیت - در تبریز، در اصفهان، در سیوا ز، در کرج، در تهران و بسیاری شهرهای دیگر - مردم بیشمار رختی یک سرسنا و معمولی ندارند که بتوانند از آنها در برابر دویساران، سرما یا گرما، میانگند، چه رسد به پناهگاهی که بتوانند آنان را از آسیب حمله های هوایی در امان نگاهدارد.

براستی کارگزاران رژیم اسلامی خیال می کنند که پناهگاهها چه توهمیست؟ با ران است که به محض آنکه با ران گرفت، انسان بتواند آن را با زکند تا بسا ران بر سرش نبارد. حجت الاسلام علی کبیر محتشمی که به مردم توصیه می کند برای خود پناهگاههای خصوصی بسازند، بیای معنی پناهگاهها هوایی را نمی داند یا از قدرت بمب های ویرانگر خبر ندارد.

در دناک ترا ز این توصیه ابلهانسه، آمار می است که او می دهد: می گوید اگر مردم به توصیه دولت گوش کنند و پناهگاهها بسازند، تلفات بسیار آنها فقط به ۲۵ درصد خواهد رسید. فقط یک حجت الاسلام رژیم تهران قادر است با آمار، که امروز به صورت علمی درآمده است، چنین سرری بر خورد کند.

شما شش سال ونیم است که سالی ملت را به جنگی کشانده اید که جز دولت ایران و عراق همه زان به گونه ای سود می برند، با جز دولت تا مبرده هیچکس از آن زانی نمی بیند. چگونه در طول این مدت به فکر ساختن پناهگاهها و سیستم های هشدار سریع نیفتادید تا جراثمی تلفات

تما بزی قائل شد. رژیم بسیار بیشتر از آن که در صد کسب حایان تا زه باشد، در اندیشه آن است که چگونه این هواداران اندک را از دست ندهد. نمایش تظاهرات در ۲۲ بهمن نیاید هیچکس را در باره پناهگاه اجتماعی با ریک رژیم به اشتباه اندازد. ورنگسته ترین حکومت ها نیز می توانند با صرف میلی بول و زور و تبلیغات تا چند هزار نفری را به خیا بنا بکشانند، خامه آن که حکومت بر تیا زمینهای سات روزانه مردم نظارت داشته باشد و بتواند با داش شرکت در تظاهرات را با آنچه در اختیار دارد، بدهد، و از این گذشته از مکاناتی فنی که رسانها برای بزرگنمایی چیزهای کوچک دارند، استفاده بهد ریخ کند.

بیگمان مورخان که در آینده شرح رژیم اسلامی را خواهند نوشت، به تحوروشنی نشان خواهند داد که این رژیم، پیش از آن که از حیث اقتصادی و سیاسی ورنگسته شود، از حیث اخلاقی ورنگسته شد.

## تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

## قیام ایران دو هفتگی

اخبار "هفته های نهضت ملی ایران در داخل کشور، که ماه موربست توزیع قیام ایران در سطح مملکت را بر عهده دارند، به ملاحظه مشکلات توزیع نشریه در قطع کنونی - پیشینه یاد کرده اند که کوتاه شده، مقالات قیام ایران، در قطع کوچک چاپ و برای آنها ارسال گردید تا بر مشکلات و خطرات کنونی توزیع فائق آیند.

اسن پیشتر در شورای نویسندگان قیام ایران بررسی شد و اصولاً مورد موافقت قرار گرفت. ولی از آنجا که چاپ و انتشار قیام ایران به صورت قطع مختلف، شامل هزینه های اضافی می شود، در وضع کنونی که عمده امکانات نهضت متوجه داخل کشور است، افزودن هزینه تا زه ای بر بودجه نشریه مملکت دیده شد. در نتیجه بنا به توصیه شورای نویسندگان و تصویب هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران، قرار بر این شد که قیام ایران پس از این، بجای هر هفته، هر دو هفته یکبار منتشر شود و هزینه چاپ نشریه مخصوص ارسال به داخل ایران از این امر تاء عین گردد.

سابق این شماره، آئیده نام ایران بجای سخنند ۷ اسفندماه برابر ۲۶ فوریه، روز پنجشنبه ۴ اسفند ۶۵ برابر ۵ مارس ۸۷، منتشر خواهد شد.

تدبیری است که ترتیبی اتخاذ خواهد شد که مشترکین گرامی ما، که وجه اشتراک یک ساله با ما هم برداخت کرده اند، از این تعبیر آنگاه نشنا زیا نی نبینند و در مجموع ۵۲ یا ۲۶ شماره نشریه را دریافت دارند.

# چرا جنگ داخلی؟

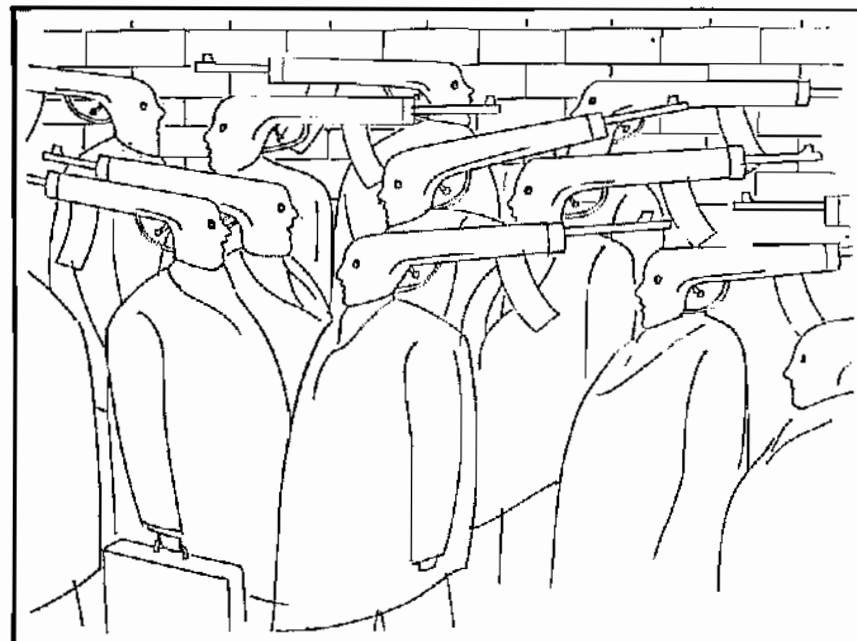
بقیه از صفحه ۱

برخی کسان متفکره یک جنگ هولناک داخلی را، بسا خونین تر و طولانی تر از جنگ داخلی لبنان، سرازیر و مخمینی با در حیات وی اکثرها قدرت از دست می‌گازران رژیم بدرود، ترسیم می‌کنند. آنان می‌گویند بسیار مدتها پیش جنگی، خاصه اگر طولانی شود، به هیچ روی درخور پس یعنی نسبت، اینان راست می‌گویند، اما به یک شرط و آن اینکه مرگ خمینی و سرور رفتن می‌را از دست جانشینان اسلامی او، ایران را برآستی درآستانه جنگی داخلی قرار دهد.

استناد آنها غالباً "لبنان است، می‌گویند مگر بیست و نوزده سال نیست که جنگ داخلی در این سرزمین آغاز شده است؟ و می‌افزایند: چه کسی میتواند بگوید که این جنگ با زده سال دیگر نیز نباید؟

مقابل آن، اسرآن بالستان، اگر از راهی جها ت درست باشد، به هر حال یک انگال بزرگ و بر طرف نگرانی دارد. هر جنگ داخلی در حاشیه‌ای در وهله نخست از عناصری تنبیه می‌کنند که در خود آن حاشیه وجود دارد و در وهله دوم از عواملی مایه می‌گیرد که از بیرون بر آن حاشیه تا شیری می‌گذارد. جنگ داخلی در لبنان بدون اینهمه عنصر مخالفی که در لبنان هست - شیعه‌سنتی و دروزی و فلسطینی و

مستقل بر سمیت نمی‌شاند، نه تنها آن را منطقه نفوذ طبیعی، بلکه جزئی از قلمرو دولتی خود می‌داند. تمامه نمی‌تواند که رژیم دمشق در لبنان نه سفارتخانه‌ای دارد و نه سفیری. در پشت این امر دیپلماتیک، یک ادعای ارضی تاریخی



نهفته است. گرایش در لبنان همیشه در جهت گریز از دولت مرکزی بوده است، و این دلایلی تاریخی، سیاسی، مذهبی و قومی دارد.

عناصری که در لبنان بر شمرده می‌شوند، ایران بکلی غایب است، یا در حالتی چنان ضعیف وجود دارد که نمی‌تواند

مسئله (از تاخت‌های گوناگون آن بگذریم) - و بدون تاثیر که کشورهای منطقه - بویژه سوریه و اسرائیل و جمهوری اسلامی - بر حوادث لبنان می‌گذرانند، در نمی‌گرفت و اگر هم در می‌گرفت، چنین طولانی نمی‌شد.

سوریه حتی لبنان را به عنوان کشوری

تا شیری تعیین کننده در سر نشود - کشور داشته باشد. در ایران، به رغم دوره‌های گوناگون طولانی آسوب و بی ثباتی - گرایش همواره به سوی یک قدرت مرکزی بوده است. کسانی که نگران آن هستند که پس از خمینی، دوران آشفتگی با حالتی شبیه جنگ داخلی طولانی شود، از یاد می‌برند که هشت سال رژیم اسلامی را اساساً باید جزو همین دوران آشفتگی بشمار آورد.

جنگ داخلی در ایران اگر رژیم خمینی سقوط کند و جانشینان او نتوانند خسلا قدرت را برگزینند پیشگویی است که جانشینان خمینی می‌کشند از آن بهره برداری تبلیغاتی کافی نیز نکنند، بدین معنی که او نمودار زندان جز تحمل همین حکومت یا جنگ داخلی راه دیگری ندارد.

به همین دلیل کارگزاران رژیم زسخنان تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه به خشم آمده اند که گفت: در صورت سرنگون شدن خمینی نیروهای طرفدار مشروطه در ایران بقدرت خواهند رسید. این پیش گوئی مهمتر از آن است که یک تسویه حساب با رژیم خمینی به حساب آید. اوزال می‌خواهد بگوید گرایش به همبستگی و وحدت ملی در ایران، اگر بر چرم مشروطه برآورد شده، نیرومندتر از آن است که تنها صرخه‌های بشوایند کشور را به ورطه جنگ داخلی درآورد.

## رژیم نیازمند

شنا سیم وجودنداشت، امیرا توری همانی بود که برای شرکت در جنگ اول جهانی در حال تلاش و تجزیه بود. حال نویسنده، کیهان چگونه چنین بیکره در حال تجزیه‌ای را یک "کشور مقتدر" می‌خواند، شما ند.

نویسنده روزنامه، معادله شده چاپ تهران می‌نویسد ترکیه اکنون نوا نخانه‌ای است که به شکرانه مدتهای با زار مشترک و نا تونزدگی می‌کنند و گسر این مدقه‌ها نبود، می‌بایست گفت: وای به حال ترکیه. و طرفه اینکه این سخنان هنگامی از قلم نویسنده جاری می‌گردند که جمهوری اسلامی در چهار رجب یک قرآنه ۳ میلیارده دلاری، رزم محکمنا شی ز فروش نفت می‌دهد و کالاهای ساخت ترکیه وارد می‌کند.

درست است که ترکیه نیازمند کمک‌های اقتصادی اروپا و آمریکا است، ولی نیازی که امروز جمهوری اسلامی به ترکیه دارد، هیچ کمتر از نیازی نیست که ترکیه را به اقتصاد جهان غرب پیوند می‌دهد.

اگر ترکیه نوا نخانه اروپا است، پس در یاره جمهوری اسلامی چه می‌توان گفت که تا بدین پایه نیازی ندارد. این نوا نخانه شده است؟ پس در یاره اظهارات نخست وزیر رژیم تهران چه می‌توان گفت که ترکیه را مدام یک "کشور دوست و برادر و همکش" می‌خواند؟

یا نخست وزیر اسلامی نمی‌فهمد چه می‌گوید یا روزنامه‌ها کیهان و نهاد های انقلابی نمی‌فهمند چه می‌نویسند. البته واقعیت سومی هم می‌تواند وجود داشته باشد و آن اینکه نه روزنامه‌ها کیهان، نه انجمنهای اسلامی و نه حوزه‌های علمیه هیچ کدام نمی‌فهمند چه می‌گویند.

در خوردیادآوری است که سیاستمداران ترکیه برای نخستین بار نیست که آمادگی خود را برای میانجیگری در جنگ جمهوری اسلامی با عراق اعلام می‌کنند، ولی این هرگز سبب نشده که روزنامه‌های رژیم پیدان بنامند. رژیم تهران از آن گفته‌های تورگوت اوزال که در رسانه‌های خود به چاپ زده، نا راحت نیست، از آن سخنان نخست وزیر ترکیه خشمگین است که در رسانه‌های خود چاپ نکرده است.

این تا زگی ندارد که رسانه‌های رژیم تهران و حوزه‌های به اصطلاح علمی و انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت و موسسه‌های از این دست، حکومت ترکیه را مورد حمله قرار دهند و به بنیان نگذارند. ترکیه نوین آنها نت کنند، خود خمینی نیز از توهین به آتا تورک هیچ دریغ نکرده است. زیرا آتا تورک، این مصلح و نوآور نادر، مظهر جنبشی است که درست در جهت عکس ایدئولوژیهای تاریک اندیشی چون اسلام آیت الله خمینی عمل می‌کند. حمله رژیمی چون رژیم اسلامی تهران به دولتی چون دولت غیر مذهبی ترکیه هیچ شگفتی ندارد.

شگفتی بلکه از اینجا است که نویسندگان روزنامه‌ها کیهان به انداز یک کودک دبستانی اطلاعات تاریخی ندارند. نمی‌دانند که پیش از بقدرت رسیدن آتا تورک اطلاعاتی به صورتی که امروز می‌گرفت.

بیچاره آن خوانندگان می‌که با بدایات تاریخی خود را از روزنامه‌ها کیهان (چاپ تهران) بدست آورند. این روزنامه در شماره ۱۹ بهمن خود در یادداشتی در باره سخنان تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه، در ایالات متحد آمریکا، می‌نویسد: "تا پیدا حتماً نیاید بگوئیم چگونه مملکت مقتدر ترکیه با روی کار آمدن آتا تورک تحت تا شیر دستورا عملهای ضد فرهنگی و ضد اسلامی با شتاب زاید الوصفی به صورت یک کشور نیمه منعتی وابسته به اروپا درآمد."

ظاهراً "روزنامه‌ها کیهان" از آنرو به تورگوت اوزال حمله کرده است که وی در ایالات متحد گفته بود برای آزادی عراق سایر روزنامه‌ها آمریکا می‌گویند که در ایران با زداشت شده بود، میانجیگری کرده است، و افزوده بود که اگر آمریکا بخواهد، می‌تواند به میانجیگری میان واشنگتن و تهران ادا دهد.

این سخنان نخست وزیر ترکیه البته به نفعی برای مقاله‌ها نداشت آمیز روزنامه‌ها کیهان بیش نبود. حقیقت این است که روزنامه‌ها کیهان از این عصبانی است که اوزال در مصاحبه‌ای با روزنامه واشنگتن ست گفته بود پس از سرنگونی رژیم خمینی، نیروهای مشروطه خواه و ملی ایران به رهبری سا بورخیا قدرت را در دست خواهند گرفت.

## دیپلمات‌های بازجو

هفته‌ها به "پاری ماچ" چاپ پاریس فاش کرد که یکی از کارکنان پاریس که در حالی قبل موفق ندا زار سا رنگا خود در مسرت بگریزد و در آنجا زویمان خود را در بین دیپلمات‌های سفارت جمهوری اسلامی در مسرت شنا سانی کرد.

مجله "پاری ماچ" در شماره اخیر خود در گزارشی مفصلي ببارا مون گروگانگیرهای لبنان به قلم فرستاده ویزه‌ها ن به بیروت با بربک نورستنه، نوشت: زان مارک سوسی، فیلمبردار کانال یک تلویزیون فرانسه، روز ۶ مه ماه گذشته در مسرت بیروت ربه شده و وی پس از گریختن از اسارت رنگا هودا ظاهراً در است پاریس بود. مرا در آنجا تک کسیت یک کارگزار حاشیای در جنوب بیروت زندانی کرده که جزا رت داخل آن به ۴۰ درجه می‌رسد و هیچ شوه روزی به ای به خارج نداشت. بعد از سه روز که حرکت وعری سرا بیم را گرفته بود از آن در میان آنجا زه استخما خواستم. همان برآستند و به محلی دیگر بردند که یکی از مقرهای دائمی حزب الله بود. اندکی بعد فرستاده آمدند. سه نفر از آنها کت و سلوا روس در سرتی دادند و بیرون کردند به زوئی از من. زان مارک سوسی، جندی بعد از آنجا در آوردن آنجا که منجر را نوما نده بود تا وقت خود را نجا دهد.

به نوشته "پاری ماچ" وی می‌گوید در بین عکسهای دیپلمات‌های سفارت جمهوری اسلامی در مسرت دوتن از بازجوسان خود را شناسانی کرد.





## گروگان‌ها و نقشه‌های ریگان

هفته‌نامه‌ی فرانسوی و اس. د. طوسی مقاله‌ای می‌نویسد:  
دورنیت که درسی تدارکات نظامی آمریکا می‌ها، مقامات ایرانی دستور توقیف تری ویت را داده‌اند تا شنیدن از او یک ابرید گروگان بسازند. ماه موران سفارت جمهوری اسلامی در دمشق به مقامات آمریکا می‌هدایت داده اند که:

اگر آمریکا به بیروت یا ایران حمله کند تری ویت اولین قربانی آن خواهد بود. در این هتداری، راه حل دوگانه نظامی سرزیدنت ریگان بطوری متناقض خلاصه شده است. یکی از نمایندگان دولت ریگان در این باره می‌گوید:

ما بطور کلی و برای آینده نگرانی نیروی ضربتی "تا وگان ششم" را در بیروت متمرکز می‌کنیم. ناوهای هواپیما برکنسیدی و شیمیست همراه با حدود سی کشتی اسکورت در این محل مستقر خواهند شد. و این نظیر همان تدارکات است که در سال ۱۹۸۳ برای حمله تلافی جویانه به لبنان فرام آورده بودیم. هیچیک از جزئیات رفتار ما از چشم ناوهای جاسوسی شوروی که از فضا طلسمای نزدیک ما را تعقیب می‌کنند، پوشیده نمی‌ماند. اما اینهمه به معنای آن نیست که ما قصد حمله به آنجا را داریم.

راه حل نظامی آمریکا اکنون در حال انجام است، و شما رئیس مکتوس پنهانی آغاز شده است اما جهان در لحظاتی دلپره‌سار نگران هر تصمیمی است که ریگان خواهد گرفت و ریگان این بار دیگر حق هیچگونه اشتباهی را ندارد.

مخاطب ما می‌گوید: - ما در کنگره از نحوه موضع قدرت را بدست آورده ایم. تا دو هفته پیش حتی امکان چنین عملیات نظامی ای نیز از ذهن کسی نمی‌گذشت. ما اکنون در دوران "ایرانکیت" بسر می‌بریم. رئیس جمهوری دستیارانش در تمام جهان نیان اعتبار خود را بازیافته اند. اما با وجود موج آذمربایی‌ها در بیروت و با وجود اعلام جنگی که گروگان‌گیران به جهان غرب داده اند، عقاید عمومی آمریکا شیان وحشی همه مردم جهان با ردیگر به جای اول بازمی‌گردد. حتی رهبران حزب دموکرات دروا سنگنت نیز خواه ستار بداخله باست محکمانند. با بدگروگان‌گیران در مجازات کرد، اما چگونه؟

دو خط اصلی بیرونی‌ها می‌نمایند:

۱- تا زمانی که گروگان‌گیران آمریکا بی‌هوز زنده اند، و برای آنکه آنان را به سلامت حقایق (یعنی هتداری نظامی آزادانیم و نه با نان فقهی) مانند تحویل اسلحه به ایران و با چدهی‌های کسوف) بایده نشنا در لبنان، بلکه در خلیج فارس نیز دست به اقدامات استراتژیک بزنیم.

۲- در صورتی که علی‌رغم هتداری مکرر و سنگنت، گروگان‌گیران هوادار جمهوری اسلامی تصمیم بگیرند که به تلافی دست به کشتار گروگان‌ها بزنند، مرحله دوم نظامی آغاز خواهد شد.

تا وگان ششم آمریکا که هم‌اکنون در آبهای ساحلی بیروت در کازما نوروهای آنجانی است، سبب‌های خود را به هدفی بی‌گناه پیش و بدقت توسط ما هواری‌ها می‌جاسوسی تعیین شده اند برتاب خواهد کرد. این هدفها عبا رشنانند: منطقه‌ای که زندان "بسته" در آن قرار دارد: منطقه‌ای شینه نشین در بیروت که گروگان‌ها مدتی در آن زندانی بوده اند و دیگر اردوگا‌های آموزشی و با دگان‌های پاسداران و گروه حزب الله به رهبری روحانی شیخ فضل‌الله که در دره بقیع در جبلبک قرار دارد. به عقیده مخاطب ما، گروگان‌گیران

تذکرده‌اند که گروگان‌گیران نا شناسند و معلوم نیست چه هدفی را دنبال میکنند و در مقابل چه کسی بایده شدت عمل به خرج داد، اما من با این عقیده مخالفم. دست کم دولت با پیدارسا "به عنوان مسئول آنچه امروز در لبنان می‌گذرد به جهانیا ن معرفی شوند: جمهوری اسلامی و سوریه با تریک و اژمن می‌افزاید: جمهوری اسلامی بدلیل آن که بیشتر گروه‌ها می‌که در لبنان گروگان‌های غربی را در اختیار دارند، بیروخیمنی هستند و برای او و همدستانش کار می‌کنند.

سوریه نیز به دلیل این که عامل بعضی آدمربانی‌هاست و علاوه بر این مناطقی که گروگان‌ها در آنجا سیرند، تحت تسلط ارتش سوریه است. وی به عنوان نا شناس گفته‌ای از "دو ردا سالیه"، کارشناس مسلم خاور میانه را نقل می‌کنند که می‌گوید: سوریه با سی هزار سرباز خود با زمانهای امنیتی اش با شبه نظامیان طرفدار خود یعنی دروزی‌ها و شیعیان اصل، منطقه بقا و بیروت غربی را که بیخاک‌ها تروریست‌هاست در تسلط خود دارد. دو سال پیش دیدیم که بدنیال اشمام حجت شوروی، دمشق به وسیله شیعیان اصل و دروزی‌ها گروگان‌های روسی را به سرعت از بند رها نند.

با تریک و اژمن می‌افزاید: اگر حافظ اسد بیگنا‌هاست چرا بیشتر گروه‌های شناخته شده تروریستی را در دره بقیع درینا ه خود قرار می‌دهد؟

همچنین اگر رژیم بیت‌الله‌ها تا این حد که دولت‌های غربی جلوه می‌دهند بیگنا‌هاست، چرا برای آزادی گروگان‌ها با سیدیا آنها وارد مذاکره شد؟ آیا تصور می‌رود که حزب اللهی‌ها طرفدار جمهوری اسلامی در لبنان، اسلحه خود را از سوپرمارکتها می‌خرند و هزینه‌های خود را از طریق سرد در بلیط بخت‌آزمایی‌ها مین می‌کنند؟ نویسنده روزنامه فیکارو می‌افزاید:

اکنون موقع آن رسیده است که دولت‌های غربی حجت را با جمهوری اسلامی تمام کنند. اکنون موقع آن رسیده است که رژیم‌های تهران و دمشق مسعود تهدیدها می‌درجند چرا هم خود قرار بگیرند. به این منظورهای جزا مین نیست که مناسبات سیاسی با این دو رژیم قطع شود فرودگاه‌های آنها تحریم شوند، فرودگاه‌های غرب بر روی هواپیما‌های آن‌ها بطور مطلق بسته شود، روش‌های مقابل‌گیری اقتصادی و مالی و بازرگانی در برابر آن‌ها در پیش گرفته شود، دارا شاهی‌ها و عملیات نظامی علیه هدف‌های اقتصادی و نظامی در خاک ایران و سوریه و مناطقی کنترل سوریه انجام بگیرد.

فیکارو - ۸ فوریه ۸۷

### مک فالین:

### خودکشی؟

رابرت مک فالین، مشاور سابق رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا در امور امنیت ملی و چهارم‌املی‌ها برای ایران نکیت روز دوشنبه ۹ فوریه پس از استعمال بیش از ندها زهی قرض خواب‌آور و بی‌هتداری بی‌مستان منتقل شد. بی‌نظرنگان بهمان رستان بهتجدید دروا سنگنت، مک فالین اقدام به خودکشی کرده بود. اما اکنون از مرکز نجات یافته است و حال عمومی وی رضایتبخش است.

لوما تن چا پاریسی، می‌نویسد: بنظر می‌رسد که اقدامات گوناگونی که در جلسات مختلف کنگره بر مک فالین وارد آمده است و نیز آنچه از این پس بایست با آن رویرو می‌شود دلیل خودکشی او بوده است. قرار بوده که وی روز دوشنبه در برابر کمیسیون کنگره در مورد نقض شوری ملی امنیت، در تحویل اسلحه به ایران مورد بازجویی قرار گیرد. ظاهراً مک فالین بوده که ریگان را متقاعد ساخت تا به تمام ریسر قرار سازی رابطه با رژیم تهران دست زند. اکنون نتیجه این تمام ربه رهروشن است. طرحی که بنا بود سیاست استراتژیکی ژرفی را در درازمدت در مورد کشور حساس آسیای کندیه سیاست ورنگشته و نزدیک بهینا نه معاوضه گروگان‌ها با اسلحه تبدیل شد.

مک فالین همراه با سرهنگ نورث‌ماین او و چهره دوم‌ها برای تحویل اسلحه، هواپیما‌های پرازا اسلحه و مخفیانه وارد تهران شد. اسلحه‌ها بران تحویل داده شد، اما چندین ماه طول کشید تا دیوید

جا کوبسن ولورنس جنکو، دوست‌ان از گروگان‌ها آزاد شوند. سیاستی که اسن چنین آغازند با افشادن و از بربول اسلحه به حساب شورشیان ضد دولت نیکاراگوئه پایان می‌یابد. اما این همه بدبیا‌ری‌های مک فالین نیست و از یک طرف زیرگلوله باران ستوات کمیسیون کنگره دست و پا می‌زد، و از طرفی کاخ سفید نیز سر آن داشت که او قربانی کند. فردای سال نومیچی، مشاور رئیس جمهوری اعتراف کرد که رئیس جمهوری از آغاز زدرجریان بوده است و تحویل اسلحه به ایران با موافقت او انجام شده است. اما دونا لدریگان رئیس دفتر رئیس جمهوری این اظهارات را تکذیب کرد و اعلام داشت که رئیس جمهوری پس از انجام گرفتن این عملیات از آنها آگاه نشده است و هیچ وجه از جریان آنها اطلاعی نداشته است.

روز دوشنبه ۹ فوریه قرار بود که مک فالین با ردیگر در برابر کمیسیون کنگره بر سر این دورا‌هی پیچیده قرار بگیرد که با زیر حرف‌های تبلی خود بزند تا آنکه ریگان را دروغگو اعلام کند. منا ورماسبق ریاست جمهوری سا بدبرای فرار از چنین دورا‌هی بوده که به ما ن قرض‌های خواب‌آور بنا برد.

### شبکه انگلیسی

### خرید اسلحه

"وال استریت جورنال"، روزنامه مسه آمریکا بی‌جا پاروپا، در گزارشی زیر عنوان: "جمهوری اسلامی از طریق شبکه‌ی مخفی دولندن جنگ اترا رقا چا ق خریداری می‌کند" می‌نویسد:

بی‌درنگ پس از شروع جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی، کوشش‌های خود را برای خرید اسلحه چا ق در غرب از طریق دفتر پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی در ساختان شرکت ملی نفت ایران دولندن، آغاز کرد.

نخستین تلاش رژیم بیت‌الله حیمینی برای خرید اسلحه عاقتی تا نو را داشت. در سال ۱۹۸۱، دفتر پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی دولندن اعلام کرد که دلالان اسلحه با بدایتدا ده در مذاق قیمت هر سفارشی را بپردازند و پس از آنکه مقامات جمهوری اسلامی اسلحه‌ها را با زبنتی کردند، بین سول به آنان با زبنتی داده خواهد شد.

بسیاری از فروشندگان قانونی اسلحه، این حکمرا سختگیرانه‌ونا معمول یافتند، اما بهینا منجمومی، تصمیمی ایرانی، فروش ۸۰۰۰ مونتک ضدتانک "تا و" آمریکایی را بدین دفتر عهده گرفت. مقامات دادستان انگلستان از این معامله به گونه‌گلاهداری کلان و ما هوانهای یاد کرده اند. در این ماجرا به سرهنگ ایرانی که برای با زبنتی "مونتک‌ها" به بلژیک رفته بودند، و دو دیپلمات جمهوری اسلامی و یک بانکدار توسط شبکه بهینا منجمومی دولندن ربوده شدند.

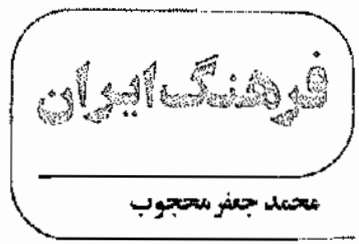
اسکا تلنه‌ها رد، چند ساعت پیش از آنکه دفتر پشتیبانی لجستیکی مبلغ چند میلیون دلار را به حساب‌های مختلفی در بانکهای سوئیس بفرستد، قدم به میدان گذاشت.

نجمومی که به گفته یکی از ما موران آگاهی انگلستان کلاهبرداری به سبک کهن بود، به جرم شیاد بی‌دست‌سال زندان محکوم شد. وال استریت جورنال می‌نویسد:

تقریباً همزمان با این ماجرا، دفتر پشتیبانی لجستیکی روابطی با یک شیعیانی ایرانی دیگر بنام سعید آصفی اینتا نلو برقرار کرد. به شهادت مدارک ضبط شده در دادستان آمریکا، در "سان دیگو"، اینتا نلو شبکه‌ای مرکب از کارمندان غیرنظامی نیروی دریایی آمریکا وجود آورد که در ازای درسیافت پول، قطعات جنگنده‌های تا مکت اف-۱۴ نیروی دریایی را از آنها رهای مختلف نیروی دریایی آمریکا سرقت کنند و برای ارسال به ایران در اختیار وی قرار دهند.

هنگامی که قطعات اف-۱۴ به قیمت ۵۰۰ هزار دلار توسط اینتا نلو به ایران ارسال شد، یک کارمند کنگره و گمسرک آمریکا در لیس آنجلس چیده‌ای را که بران برچسب "لوازم بدکی ماشین" زده شده بود، با زکرد و در آن قطعه‌ای از جنگنده‌های تا مکت را یافت که تنها در نیروی دریایی آمریکا و در نیروی هوایی ایران بکار می‌رود.

وال استریت جورنال - ۳۰ ژانویه



# از هشت بهشت :

## داستان حسن زرگر

محمد جعفر محبوب

سخن شناسان امیر خسرو دهلوی را بزرگ ترین شاعر فارسی زبان شبه قاره هند و پاکستان در شمار آورده اند. وی اصلاً "شکر نژاد" بوده و پدرش به هند مهاجرت کرد. امیر خسرو خود نیز علاوه بر ترکی و فارسی که زبان شعر و نثر اوست، عربی و سنسکرت و یکی از زبان های بومی هند به نام برج بیاگارا می دانست و گویند بدین زبان آثاری نیز داشته که از زمان رفتن او به هند برای این در موسیقی نیز استفاده می کردند. در تظنه ای به صراحت خود را در فنون شعر و موسیقی "کامل" می دانده و هنوز مردم هند و پاکستان آهنگ ها و آوازها بی درنگ که گویند سروده امیر خسرو است و نیز یکی از زبان های ضریبی خود موسوم به "فرودست" (= سازی که در زیر سر دست می گذارند) را اختراع وی می دانند.

گذشتگان این همه فضل و کمال، و قدر و منزلتی که وی نزد پادشاهان هند داشته و با خاندان های سلطنتی وقت معاشرت می کرده و به طبع مقداری از وقت او صرف این گونه کارها می شده و به حلقه ارادت شیخ نظام الدین اولیا از صوفیان صاحب نام هند نیز درمی آمده، بی زحمت کارهای باقی مانده او و گفتار انگیز است. وی علاوه بر فارسی نثر نیز می نوشته است: کتابی بزرگ در دولت، به نام اعجاز خسروی مجموعه اشعار اوست. آثار منظوم و نثری او از زبان چندیوان قصیده و غزل که هر یک مربوط به یکی از دوران های عمر او است: ۱- تحفة الصغر ۲- وصال الحیوة ۳- غزوة الکمال ۴- بخت نامه، که شعرهای او با سبب دوران زندگی اوست. یکی دیگر از آثار نثری او است که به بی روی از نظم می کنوی سروده و بهترین تقلیدی است که در این نظام می شده است و نام آن ها مطلع الانوار (در برابر سخن الامرا نظم می)، شیرین خسرو، مجنون و لیلی، هفت بهشت و آینه است. اسکندر است. "خمس" امیر خسرو هم "دارای هجده هزار بیت است. چند منظوی کتاب دیگر نیز از او با زمانه است به نام های: فرمان آتشیدن، تاج الفتوح، کولرانی و خضرخان، افضل الفوائد، خلق نامه، مناقب هندو تارخ دهلوی.

بحث درباره زندگی و شعر امیر خسرو را زمینداران لیبی کتابی است. در این مقام، داستان از هشت بهشت او، که به تقلید از هفت بهشت می سروده است برگزیده ام و این مقدمه برای عرضه شدن آن داستان مذکور افتاد. هفت بهشت نیز سرگذشت داستان است که کوراست و از آن داستان همان است که در هفت بهشت پیکر آمده است. در هشت بهشت نیز ما نده هفت سبک درخت را در آن هفت اقلیم هر یک در یکی از شب های هفته برای بهرام افسانه ساز می کنند. این داستان را شاهزاده خاندان نیمروز در روز یکشنبه در گذشتن عفراتی با زمی کویدونا آن داستان حسن زرگر است. در نظر بنده این داستان سخت زیبا آمده است. امیدوارم خوانندگان عزیز قیام ایران نیز آن را بیسندند و میگویند: در آن بنده داستان های دیگری از این کتاب را نیز با آن در میان می گذاریم: زرگری بود در خراسان طاق

نهره در شهرهای روم و عراق حسن نام و برهنه شدن گشته چون نام خویش خندان هر چه بتوان ز سیم و زر برداخت ساختی آنجا نکه نتوان ساخت روزی حسن زرگر از زمین روی (= بونج) پیل گران ساخت (با بدتوجه داشت که ذوب کردن و قالب گیری پیل بدن بزرگی با وسایل آن روزگار کاری بسیار دشوار بود) و آن را در کمال زیبایی پرداخت کرد و برای آن که بتوان به آسانی آن را جا به جا کرد، چهار چرخ زیر آن نهاد و چون از نقش و نگار آن فراغت یافت، پیل را به کاخ فرمان رومی شهر بدو به وکیلان درگاه سپرد. پیش بردند و شاه کرد نظر

ماند حیران در آن کمال هنر پس اشارت نمود هم بشتاب تا هفتاد هزار من زربان گفت خواهم ز خون توانمادی که نیمی زمین نمونه بنیادی پیل کز روی کرده ای پرداخت سازی از زر چنان که باید ساخت زربون سرد مرد جا یک دست تقدرا نگه در عیسار آورد همه و کوره را بکار آورد روز و شب کوش و هنر میکرد و زهر کارا ز زر جوهر مکر رد تا بر آراست از پس ماهی زنده پیل فراخورشاهی چون شد آن پیکر شگرف تمام در زمان بین شاه کرد خرام کا خود کز هنر نداشت قیاس برد در پیش شاه کارناس به جوید آن نمونه کاری متعجب سرسدا ز نمود این کرمش کرد و حار من زر داد مزد دسی چهار دگر داد شاه پس از تحسین هنری که آن زرگر است در کار خود نموده

بود، بر پشت آن پیل نشست و در شهر به گردش در آمد. داستان پیل حسن زرگر بر سر زبان ها افتاد، مردم همه به تماشا می آمدند و گفتگوی آن در شهر افتاد. زبیرگان و دانا یان چون این شاهکار هنر و زیبایی را دیدند خیره ما شدند، اما آنچه در حین زرگر و پیل زرین ساخته شده است و می شد فقط تحسین و آفرین نبود. خاندان نیز به توفیق وی رشک بردند و برای بدنام کردن او و شکست آوردن در کارش، به کوشش در آمدند. یکی از آنان به وقت در سبیل و وزن و عیار آن نظر کرد و اطمینان یافت که وزن پیل کمتر از هزار من است و زرگر، مقداری از زر را خود برده است. در اندیشه شد تا چگونه این خیانت را ثابت کند. با خود گفت اگر این مطلب را به شاه بگویم، شاه به شکستن یا گذاختن پیل که چندین هنر در آن ختن آن به کار رفته است رضا نمی دهد، و اگر بگویم آن را وزن کنند، چنین میلی در ترا ز نمی کنند و اگر زبان را از سخن کوتاه کنم، مردی به نقل زرا زخا نه، شاه برده است. سرانجام:

چاره آن ندگم ز خانه او آکهی حوم افسانه او بس با ندیسه کست هار کال (= هار اندیش) ناسرون آورد ز برده خال جُست راهی نکوس و فس حویس آسنا ساخت با زنی زن خویش مردم از تحفه های طبع انگیز کرد با زار دوستی را تیز آنجان کرم سد میان در جفت که بتفسیر بریا نتوان گفت سرط اغلائی را بهانه همانند را زرا برده در میان نهانند مرد سر برین زبان و خون آسنا زهر در جفت (= کوسان) و انگیز در کام دید چون سخته کار سازی خویش ریخت بیرون ز کرده با زی خویش وقتی دوستی آن دوزن سیار کرم شد شبی مرد زدن را گفت: چون نزدیک با نوبی حسن شوی، در فرستی تا سبب او را از زهدری به گفتار در آور، و از زهر موضعی با او سخن بگو، آن گاه در کوما گرم گفتا ربه صورتی بی غرمانه او را بگو:

کانه حمت تونفس پیل کشید ناطقان را به دیده میل کشید مسل این ز بر سف مناسی در بیا پیده هیچ بناسی این سگفت ارچه سر سر هنر است لیک وز نس از آن بگفتا است گر کسی خواهدش که بر سنجد در ترا زود دست چون گنجد سپس به زن هشدار می دهد که مطلب را طوری با زن حسن در میان گذا رده سو قط وی را جلب نکند. مثلاً "ز جمله بدو بگوید که اگر کسی چنین کاری را بداند دیگر به هیچ شهری ما نندار و آسانی توان یافت. بدین ترتیب زن خویش را کالما آماده آن می سازد که از زینت ها حسن زرگر را در بیا بد.

زنی زرگر مزاج دور اندیش زبیرگانه نهادی پیش تحفه بی بر گرفت و به برداشت رفت جایی که کار در برداشت تحفه بی برد بیست کدبانو چون دگر بار گفت همزانی که به افسانه و کپی بغسون از داسش خُرده می کشید بیرون تا وی از کار داند خود بدلیل پرسد آئین بر کشیدن پیل هر منط و عفا کرد کالا پیل و آن گنج پیل بالا را زبیر و بالا نمود چندانش کز سخن موم کرد ستاندس کرد این گه بر مزاج درست کز حسن وزن سگه انداخت چون شب شد حسن به خانه با ز آمد. خوردنی بخورد و به بستر رفت. زن نیز در کنارش خوابید و به دل جویی شوهر پرداخت و ز گفتگوهای بسیار خصوصی همسران با یکدیگر سخن در میان آورد و سرانجام مرگشته سخن را به پیل ساختن و وزن کردن آن کشید و به ستایش هنر شوهر پرداخت: از هنرهای بیکرانه تو

من ز تو فته هر چه پیش کنم تا ز بر همسران خویش کنم پیل زین که ساز کرده است در ای خیر با ز کرده است هر چه از یای دیدم تا سر هست جای ز جای زیبا تر لیک یک مشکل آیدم بخیا لیرم آریا خدمی بشوال حسن نیز در پیا سخ زن گفت که من هر چه را که می دانم اگر از همه کس پنهان دارم، از تو نتوانم بپوشد. آنچه در خاطر می گذرد با ز کوی تا در باره آن توضیح دهم.

زن بدو گفت کان خیال بگرف که در او زهرها رمن شد صرف صنعتی گرچه از حد افزونست صنعتی وزن کردنش چونست کرترا باشد این تصور چست که توان بر کشیدن بدست آکهی ده که با خیر کردم سادیم هست سادتر کردم سر د گفتا که هست در مشم صد هنر بیل که در هر آن گنتم

لیک در خود نهفته دارم راز کز کنی انصاف خود دنیا بیا ز گرنمایم هنر به هشیاران نبرم جان ز دست همکاران نغز گفت آن حکیم دوران بدیش که هنر هر چه بیس دشمن بیس حسن به روشنی از دشمنی همکاران با زن سخن می گوید اما زن با ز او را بر سر سخن می آورد و می گوید اگر تو احوال خود را از من نیز با زبوشی با چه کس دیگر نتوانی گفت؟ آن گاه تا زوغمره را با سر زنی شاه می کشد و چون بر شوی خویش مسلط بود، خندان در این کارهای افشرد تا خواه به سخن گفتن رضا دادا دوشمیدانه در پنا و آخین ستر خویش رفت: گفت اگر با بدت که بی کم و کاست

هر چه پرسی زمن بگویم زات عهد سو گنجد در میان باید کاین خزینه ز بندنگشاید زن و بیفت نمود و سمان بست که نیارد بقتل را ز سگست آنکهی خواجه سرگنجد زبان کف با آفتاب نوش لبان کانه بر سیده سوزن بدلیل سکل و هنر پر کشیدن پیل آنجان با سدن طریق صواب که در آرد کنتی بی در آب در میانش نهند پیل سگرف در مقامی که رود باشد زرف سن ببینند در میان ع رود جقدر می رود سفینه فرود چون جواب را کنند نشان پیل بیرون کشیدن کتان از گیل و سنگ هم بر آن مقدار سخته سخته کند کنتی بار تا خط آب برقرار رسد و آن تری بر نشان کار رسد

آنقدر "من" که تان نشان باشد وزن و مقدار آن همان باشد آنک وزنی کم است و نامفهوم بیست و یکم هم در آن شود معلوم زن که این نکته را دریافت در شکفت شد. صبح که زرگر بر سر کار خویش رفت، زنی که در دوستی را بر روی گشاده بود به دیدارش آمد و به گفتگو نشستند. سخن ایشان سخت دراز کشید، زن کوشید تا نکته وزن کردن پیل را از "خواهر خوانده" پنهان دارد، اما زن طیار آن سخن را نیز از او و بیرون کشید و راست پیش شوهر نشاند تا نکیز خویش رفت و داستان را با ز گفت: مرد پیر غیرت مخالف رای

بیش شه رفت و حال روشن کرد دوستی را بکام دشمن کرد گفت آن پیل زر که دانا ساخت ز آنچه دادی کم است در پرداخت من چنان سنجش درست گشته شاه از کم و بیشی او شود آگاه شاه به آسانی زبیر را زنی رفت. اما مرد گفت: پادشاه در موقع سنجیدن پیل ناظر کارها خواهد بود. اگر وزن آن کمتر از زرها باشد شاه در آمد، مال را از دست خویش بستاند و اگر کم نبود خون بنده بر شاه حلال باشد. شاه گفت پیل را نشان شکست و در این حالت نیز در ترا زو نتواند گنجید. مرد حیلتی را که از حسن برای وزن کردن پیل آموخته بود با ز گفت. شاه دستور داد دو پیل را بر کشیدند. معلوم شد که وزن آن نهصد من بیش نیست و زرگر صد من از زر را نگاه داشته است:

سرد صناع را ز قلابی (= تقلب) دست بستند سپری بی (= بی آبروشی) همچنان سخته پیش بردندش با میمان نه سپردندش وقتی شاه او را مورد با زخواست قرار داد، گفت من در تنگنای کم مزدی این زر را برداشته و در خانه نهان کرده ام تا ببینم آیا کسی خواهد توانست این قیل را وزن کند، تا به شاگردی او آقا رکنم و آن صدمن زر را دستمزد دانش وی سازم. اما هیچ کس این کار را نتوانست و من خود این راز را از زبیر و بیرون افکنم. شاه زرها را از خانه وی باز آورد و برای مجازات او:



هیچ دینی وجود ندارد که در آن انسان و منزلت او در زندگی اهمیت بسیار نداشته باشد. انسان، زجمله ادیان ابراهیمی، همه می گویند و شایسته است که انسان را، چنان که هست، به نمونه آرمانی انسان کامل، چنان که باید باشد، نزدیک سازند. انسان کامل هرگز وجود نداشته است و هرگز نیز وجود نخواهد داشت. اما اینهمه فقط انسانی ثابت است. این نام است که سدا به سوی کمال حرکت کند. هر فردی، یا دستگاری یا حکومتی که راه این حرکت به سوی کمال را سد کند، ناگزیر خود را در مقابل یک اصل مهم اخلاقی قرار داده است. چنین مقابله ای هنگامی به زنده ترین وجه به چشم می خورد که حکومت سدکننده را که کامل انسان، داعیه دینی نیز داشته باشد. از ایرادهای درخورنا، ملی که طرفداران تعالی اخلاقی انسان به جا معده های مادی مریز از جمله کشورهای پیشرفته، صنعتی می گیرند یکی این است که انسان در آنها به صورت بزرگوار و وسیله ای برای کسب قدرت اقتصادی یا هوسا نیهای سیاسی درآمده است. می گویند که انسان در این جا معده ها هدف نیست، وسیله ای است که می تواند برای دستیابی به هدفهای گوناگون بکار آید.

به هنگام چنین تاملات جامعه شناسانه - فیلسوفانه ای نگاهها تقریباً همواره متوجه کشورهای غربی بود. ولی انقلاب اسلامی در ایران سبب شده که توجه از غرب به شرق نیز برگردد. زیرا دستگاری کدریسم اسلامی، برای هوسا نی سیاسی خود، در شخصیت انسان می کند و لطمه ای که از این راه به منزلت او وارد می آید، جز در رژیمهای استبداد کامل از نوع

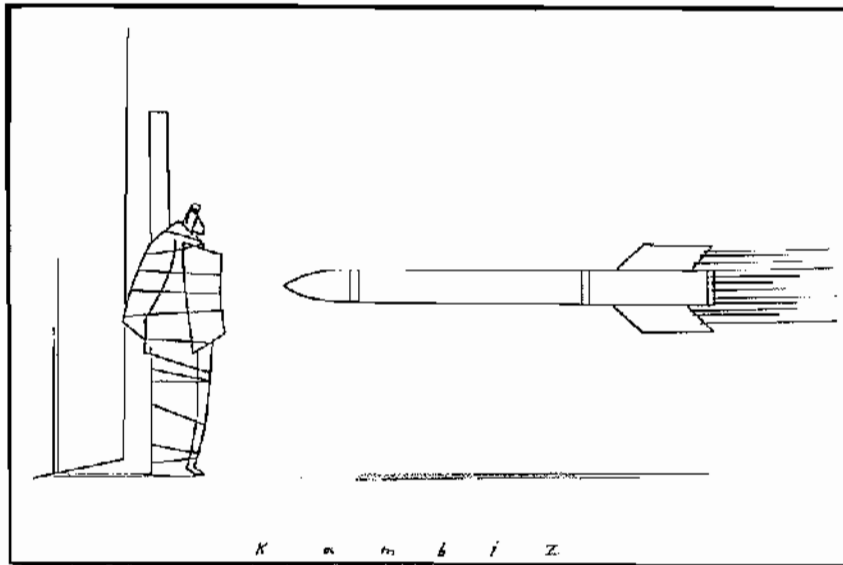
## کالای انسانی

دعوت دولت اسلامی به ایران آمد و عاقبت سرازندان در آورده. ولی تنها رژیم که در برابر جان مردم سرزمین خود هیچ مسئولیتی احساس نمی کند، می تواند به چنان کارهای بی دست زنده، به گروگان گرفتن آدمهای بی گناه برای دستیابی به هدفی سیاسی یا مالی، و به کار مرگ فرستادن هزاران هزار جوان و نوجوان بی گناه - این هر دو از یک چشمه آب می خورد. وقتی که رژیم به منزلت انسان بی اعتنا شد، دیگر برایش هیچ فرقی نمی کند که قربانی او از کدام مژده دو مذهب و جنس است، برایش دیگر فرقی نمی کند که قربانی او از کدام گروه سنی است. او به همه قربانیان خود به چشم شیائسی می نگرد که می توان از آنها برای مقصودی استفاده کرد. و طرفه اینکه در این رهگذر تقریباً همواره به سراغ شهروندان کشورهای می رود که در آنها انسان دارای قدر و منزلتی است. اگر جمهوری اسلامی با دولتی از نوع خود، یعنی بی اعتنا به منزلت انسان، اختلاف پیدا کند، محال است تبعه های آن دولت را به گروگان بگیرد، زیرا می داند که آن دولت برای اتباع خود ارزشی به همان اندازه ناک قابل است که جمهوری اسلامی برای شهروندان ایرانی.

ایران ما را به شوخی گزیده و تلخی، "سرزمین نانی گران و جانی ارزان" خوانده اند. ایران به واسطه رژیم جمهوری اسلامی چنین شده است، اما چنین نخواهد ماند.

انسانها می زنده تا بشوایند و گروکشیدن آنها به معامله ها می که سودآور می انگارند، بپردا زند، کار بردنا رسیده است که یک روزنامه فرانسی کاریکاتور سوری از رفسنجانی چاپ کرده بود در حالی که این کلمات از دهانش خارج می شد که: "برای

فاشیستی و کمونیستی، همانندی نداشته است و ندارد. انسان برای رژیم تهران به صورت کالایی درآمده است که می توان آن را با اسلحه و پول مبادله کرد یا برای دستیابی به هدفی سیاسی مورد استفاده



جبران کاهش نرخ برابری دلار مجبوریم بیشتر آدم دزدی کنیم!" این ملاحظه ابتدیی اختیار بدهن شخص خطور می کند که در حالی که مردم بیگناه ایران در جبهه و پشت جبهه روز و شب کابوسی مرگ و نیستی را در برابر می بینند، چه جای دل سوزاندن برای آن استادان دانشکده بیروت که به گروگان کسرتنه شده اند یا آن روزنامه نگار خاچی که به

قرار داده. این تنها نوعی نگرش به انسان نیست که از کتاب "ولایت فقیه" آیت الله خمینی برآمده است که در آن فقیه در حکم شان و انسانها در حکم گوسفندند، بلکه نگرش است که در بین المللی از آدم ربا می بکارند و رژیم تهران درست شده است. آدمهای این شکله، همگوش به فرمان رژیم تهران، به معنای درست کلمه دست به شکار

## از هشت بهشت :

### داستان حسن زرگر

سود میلی ز شهر یک فرسنگ از فرودش فراخ و بالا تنگ صدگز از خاک برکنیده بلند سرش ایمن زردبان و کمند نه بر آنکس که خمناک شدی بگردی آنجا تا تا هلاک شدی سر رسیدن چون خور و آشام جند روی شدیش کار تمام شاه فرمود تا حسن را بر سر آن میل زندانی گردند و بر در آن قفل زدند و او در آن بالاتنها گذاشتند و رفتند. حسن به پیرا مون خویش می نگریست و اندوه و حسرت می خورد. ناگاه دید شخصی که می رسید از دور همجو پروانه در زمارت نور آمد آهسته بی رفیق و دلیل گام بر گام تا بسایه میل چون نگه کرد خواهی بارش بود زن نادان خامکارش بود آمد و ناله برکشید بلند گریه می کرد و روی مومی کند خواهی گفتا که رفت چون تقدیر سودگی داردت نشان و نفیر اکنون باید برای رهایی فکری کرد و چون گرفتاری من از سوی تو اتفاق افتاد بدید برای رها شیم نیز تو گامی برداری و آن این است که به شهر روی، و یک سیر ابریشم و یک سیر قند تهیه کنی و بیای و وقتی زن رفت و از شهر آنچه را که شوهر خواسته بود تهیه کرد و بیای و در دادس آواز و گفت: بر سر تار باره ای قدم کن بزودی بار دهیموری که می رود بر میل تا سالاش می بگذرد تعجیل رفته را زود رود می کن باز

واحه من زابل می زدم نفسی آنگار را نکرده ای به کسی من حرا در چنین خرابه شوم کرد می به الهای زار جویم زن سو کرد این فسانه را در گوش کنه ز خویش دید گشت خموش حسن زرگر زن را به حال خود گذاشت و به شهر رفت و در گوشه ای بنها شد. زن نیز شب را به هر طریق که بود در آن زندان هولناک به سر برد. با مادا که مردم برای بردن هیزم و گاه را هاشان بدان سوی افتاد، پیری روی زاری و فریاد آغا زنها دو چون مردم روی بدو آوردند، قضا خود و حیلای را که شوی با او کرده بود با زگفت. چون مردم به شهر بازگشتند داستان حسن به گوش شاه رسید که آن زرگر هنرمند ز زندان گریخته و زن را به جای خود گذاشته است. شاه را این چاره اندیشی زرگر صیحت شد. بفرمود تا زن را از برج به زیر آوردند. سپس به غلامان خود گفت تا به هر طریق که هست شوهری را به دست آورند. نقش بینان به جستجوی شدند در که دشت و ضرو کوی شدند آگهی یافت خواهی بنهانی که بجان آمدت جانی دلش از بیم جان نکست گرفت کفن و ببع را بدست گرفت پیش شه رفت و کرد زاری خویش شمسار از گناهکاری خویش شاه پس از گفتگوی حسن، و سرزنش او از خیانت و عذر خواستی حسن، بدو مهربانی می کند و با خود می اندیشد که این یک بار او را بیخمش و شغلی بدو بدهم. اگر بیای بر سر خیانت رفت سراخواهد دید او گرنه، قدرش فزونگی خواهد گرفت. پادشاه در پی این اندیشه: در مغز خدمت اختصاص داد شغلی از شغل های خاصش داد خندگاه از کفایت و تدبیر بایه والاش گشت پیش سریر از خردگاری آن روایی یافت کز ملک شغل کدخدایی یافت نادانی که هر که را خرد است آرزوهای در کنار خود است

\* میل کشیدن به دیده معنی کور کردن است و در این مقام معنی بیت آن است که شوهر تو با این کاری که کرد چشم انتقا دکندگان را خیره و بی بصیرت ساخت.

کزنش بیس کسد سوری فراز زن چنین کرد. موررشته، ابریشم را بگرفت و بالا برد. چون نزدیک پنجره برج رسید، حسن از درون زندان تار ابریشم را از مورر بود. سپس زن را گفت: اکنون باز دیگر برو به قدر مدگرتنا ب محکم تا فته بیاور. زن به خانه رفت و چون چنین طنایی را در خانه داشت برداشت و شتابان پیش میل باز آمد. حسن تا ابریشم را از بالا فرو افکند و گفت سرطاب را به این ابریشم ببند. چون زن طناب را در ابریشم فرو بست حسن ابریشم را بالا کشید تا سرطاب به دستش آمد. آن گاه به زن خویش گفت بر بند خویش را بر کتن تا بر آئی دمی بیام حسن گفت زن چون توانی اندر زیر شدی از جان و زندگانی سیر من که این رنجم از برای تراست بر زیر بودنم ز بهر چراست خواهی گفتا که تا شود معلوم که چسانم در این خرابه شوم زن بر آن گفته استواری کرد گریه با فغان وزاری کرد در کمرگاه جست کرد رسن تا کشد خویش را بسک حسن از بالا ظلم دیگر داشت با عروس انتقام در برداشت طقه ای بود آهنین درست سرشته در او کشید نخست وندرت رفته کرد خود را حست لنگری نیز کرد با خود بار و انگهی شد معلق از دیوار بسا چون سوی او گرانی یافت رسن از سوی زن روانی یافت میهمان سد منم بمیل بلند رفت در زیر میزبان بکمند چون زن به برج برآمد و حسن از زندان بر زمین رسید، زن فریاد برداشت که این چه بی مهری و ستمکاری است که در حق من روا داشتی؟ خواهی گفتا که هر چه بیست آمد آدمی را ز فعل خویش آمد گردنانی تورنج بنهانم من که خون خوردم از تو میدانم گرنه بیگانه از سختی میل رهنمونی نکرده ای به دلیل

# نامه‌ها و نظرها



حاج نام با صفتی آریا و مومنه و مومنه های حواسدگان گرامی معاف برای منمکن کردن نثرها و عفاست و سرداست های خفی نویسدگان تا به ما ست و ازوما به مای مواند و همرا بی ارگان مرکزی بهت معاوت ملی اسرا با ساد همه این نوشته ها بسست از نویسندگان نامه ها تقاضا می کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه خواهند نامشان چاپ شود ساد و رشوند تا نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه های گدر آن ها نسبت به اشخاص و گروهها هت حرمت شود و با عفت و سزگاری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم . اشتخاب عنوان نامه ها از ما ست .

## جنگ تابه کی؟

بسیار استرا تژیک و با ارزش در حال حاضر به ناسا شده است. از خاک سوخته تبدیل شده است. شهری که وجب به وجب آن سر سبز و آبادان بود، شهری بندری بسیار اسکله ها بی زیبا و عظیم و با کمربند مرکزی و مجهز که پیش از زیمبی از مبدلات با زرگانی - ما در آن و واردات ایران را به خود اختصاص داده بود .

سیادان بعد از ظهور غم انگیز و متا شمر کننده می افتد که ولین گلوله توپ دشمن از فاصله ای بسیار نزدیک در چند کیلومتری شهر، سمت خانه های بی دفاع و محروم مردم شهر و بیگولی مردم حصار آباد شهر شلیک شد و چندی از خانه های حصیری و فنی را نه شهر را به همرا ها کین آتش در آتش و خون فرو برد. مردم بی دفاع خرمشهر با آدا مه غلبه یک گلوله های توپ دشمن به سمت شهر بنا چا ر مجبور به ترک خانه ها شدند و خود شده و در آن هنگام بدون آنکه حتی یک قلم زوسا ثل منزل خود را به همراه ببرند تنها بفرسایم بدر بردن جان خود از آن بلای مهیب بودند. ویرا ستی بجا بود آن زمان خون و آتش این رهبر دهبی بی دینیت که بییندا کثرت مردم یک میلیون نفری شهر را که بخاطر تعلق گرفتن بنزین تنها به خود روهای ارتشی بنا چا ر مجبور به ترک شهر آن هم با بای بیاد و پرهنه بسمت تنها شهر من یعنی اهواز با مسافت ۱۶۰ کیلومتری از خرمشهر آنهم در تابستان داغ و سوزان ۵۰ درجه و بیرونی بوته های پرا زنیغ بیابان شدند، مردم مصیبت دیده و زجر کشیده خرمشهر در آن لحظه نمی توانستند بسمت شهر آبادان که در ۸ کیلومتری خرمشهر قرار داشت پناه ببرند زیرا آبادان نیز در آن لحظه در محاصره کامل دشمن قرار داشت که پس از سقوط خرمشهر و تسخیر کامل آن توسط دشمن آبادان نیز زحمت های بی پایان و توپخانه دشمن در آنجا نشاند و پس از

براستی این جنگ ناسا ناسا مونا موفق تا به کی ادامه خواهد داشت؟ این سؤال تمام مردم میهن پرست و وطن دوست ایران است که در این ایام فلاکت بار و بغرنج زندگی خود از یکدیگر می پرسند، هموطنان عزیز ایرانی ما تا به امروز شناخت بسیار گامی از عملکرد منصفی رژیم جلاد حاکم بر ایران طی هشت سال حکومت ننگین خمینی بدست آورده اند. مردم عزیز ما تا کتون بدرستی دریافته اند که رژیم فعلی حاکم بر ایران و در بر آن رهبر فتنه انگیز و بی همت آن رژیم فاقد هر نوع ارزش قانونی بوده و می بایست هر چه سریع تر با اتحاد و همبازی یکدیگر این رژیم منزوی را به زیر آله داند تا تاریخ بسپارند.

اینجا تب بختوان یک جوان وطن پرست و عاشق ایران عزیز و بختوان یک فرسود مها جرننگی از شهرستان خرمشهر با نسا عزیزان صحبت می کنم:

صحبت ها حاکی از بیان جزئی از درد و مناقبت هفت ساله جنگ بیرونی تمام مردم ایران خصوصا "مردم وطن پرست خطه" جنوبی است. بله مردم زجر کشیده و خون چکر خورده خوزستان از جمله خرمشهر عزیز، شهروندان شده، من و سایر هموطنان جنوبیم. سعادت بسیار با ارزش به من دست داده است تا در این مقطع از زمان و در کشور آلمان بتوانم محقق مسلم بن و عقیده خود را که در کشور ما تمزده ام ایران کوچکترین حقی برای بیان عقاید و نظرات مردم قائل نمی شوند را کسه نمایم.

بله همیشه و در همه حال بیاد در روزهای فرا مونی نا شندی و بسیار غم انگیز شروع جنگ خانما ن سوز هستم، جنگی که از آغاز نسا کنستون بچیز فقر و ویرانی و ذلت و آوارگی و بدبختی و تجاوز و فساد برای مردم عزیز کشور ما بچیز دیگری بهمراه نداشت است.

برای نمونه ای کویا خرمشهر با موقعیت

مدتی کوتاه نیز تا هد تخلیه کامل سکنه شهر آبادان و تخریب تدریجی بزرگترین مرکز صنعت نفت و بزرگترین لاینگاه کنسرو بودم و چهره روزها شب ها بی که من سا بودم در شهر آبادان نظاره گروختن تنها می قسمت های لاینگاه کنسرو بودم که شعله های سرفلک کشیده مسواد نفتی و بنزینی با لاینگاه تا چندین کیلومتر خارج از شهر ما تندر روز روشن کرده بود و من نیز که شیدا "منا سر از این واقعیت سرنج بودم برای از دست دادن بزرگترین سرما یک کشور ما آنهم یک قلم عظیم با تمام وجودم می گریستم. مصیبت های آلتیا بنا بذرا این جنگ خانما ن سوز را نجا گذشتند از تخریب اکثر شهرهای جنوبی کشور ما به دیگر شهرهای غرب و شمال کشور نیز سربا بت کرد و در این مصیبت همگانی شهرهای دیگر کشور عزیزمان ایران را بی نصیب نگذاشت.

با تقدیم احترامات بسیار و محمدرضا مسعودی - آلمان غربی

## بهشت سرد و سپید

سنجره را که با زمیکنم، هوای سرد و منجمد بیرون دستها و مورتها بی سوزاند، اینجا کجاست؟ بهشتی سرد و سپید که همیشه آدم برای فرار از آلتیا منی با آن بنسباه می آورد، مگر زمین گرم خودمان چه کسم داشت؟ و خبری بی خواست و بیس که ما را با گرمای لحظه ها پیش آشنا کند و با دهنده که زنده بمانیم و زنده گی کنیم یا کسی را که کفاره های خزرو کفاره های خلیج فارس را نشاندن ما دهد و با صدای بلند و رسا در گوش یک بگمان بخواند که ایرانی باید همیشه پیرا نی بماند، اینجا قلب ها هم بیخ زده اند، آدمهای اینجا و قتلگاز کتارمان ردمی شوند تا رکه کوهی از سرما را به گوش ایرانی مان حواله می دهند و دیگر چشم های گرم و سیاه که محبت از آن سرشار می شد کوهی تا بیاب است، چه با بگرد؟ به چه با بید دل بست؟ که زندگی در این بهشت سرد را امکان ندهد؟ من هر چند که آشتما ز دست دادم تا لنتما، فرهنگما، سرزمینم خوبم را و از همه بالاتر خنده های محبت با ایرانی ها بمر که خون من در رگهای گرمشان جاری است، با این همه در این سرزمین سرد هنوز با چما شنی سرازنگ به آنها و تما که منل من فراموش شده با فریاد می گویم، روزی برمی گردیم، روزی که ایران همان ایران باشد و هوای محبت در آن جریان یابد، روزی با دستهایی پرا ز عشق برمی گردیم و سر بر خاک مهربا شنی می نسیم بوسه با رانش می کنیم و با زما موجودمان آن را که از دست رفتن، سدست می آوریم، به آریست همه آن چه که آرزوی هرا بی ایرانی ایرانی اندوست است.

دیروالی است که لنتربه غم نداشتا بیم

فکر بر او زویریدن زساندا خشا بیم آنچه جان در طلب یوسف آزادی بود در فریق وطن از در و کوه ربا خشا بیم. خارهای نیست زیرا که ما این کفن را به سوزن خود با فتا بیم و با یخ خود نیز آن را بذرا با شیم.

من این را با رها گفته ام و با زهم می گویم که آلتما س نکوه زندگی را فرو می ریزند و شما ما برایشهای مثل من با آلتما س می خواهید که روزی برگردند و به شما که میگویند ایران مال ما ست تا بت کنیم که ایران هرگز نخواهد مرد زیرا که ما همیشه با عشق به وطن زنده ایم

لیلی رحمانی - سوئد

## فرهنگ ایران

جا دار جدا گانه ز نویسنده قسمت فرهنگ ایران تشکر میکنم که در نشا ناندن تاریخ ایران و نویسندگان و شعرا و آثار مشهورشان سهم بسزائی دارند. بیایند ادعا نداشت که به غیر از بخش کوچکی از ایرانیان بقیه اطلاع موثقی با اطلاعی از تاریخ و فرهنگ بسیار غنی ایران ندارند. و نکته اصلی و اساسی همین جاست که همیشه دشمنان با دورنگه داشتن مردم از این مسئله به اشکال گوناگون به صورت دیکتا توری و فرهنگ بسیار غنی ایران را در دست خود می گیرند تا با یکدیگر و موقتی که ما ایرانیان ادوار تاریخ و مبارزه اجدادمان را در راه حقا ق حقوق ملی میهن مان را نشا سیم نمی توانیم میهن عزیز را از دست بدهیم و ویشا طین برهنا نیم، موقتی که ما ایرانیان میراث ایرانی که تا نیر بسزائی در تمدن دنیا داشته است، و بخصوصا " که تا ریح و نشا نیت از لحاظ ادب و هنر همچنین از لحاظ ظ دین و اخلاق به فرهنگ ایران بسیار مبدون است. ایرانی که در هنر و موسیقی که بیستون مستقیم و غیر مستقیم در موسیقی قرون وسطی اروپا تأثیر داشته است همچنین در هنر معماری، موقتی که تمام این افتخارات را با نشا سیم و با صالت ایرانی خود واقف با شیم در آن موقع است که می توانیم بدون وابستگی و به دست توانای ایرانی ایران عزیزمان را با سزیم، و در آن موقع است که می توانیم جواب سئوال نویسنده و فیلسوف فرانسوی منتسکیو که در کتاب نامه های ایرانی می پرسد چگونه می توان ایرانی بود، جواب قاطع و روشنی بدهیم و خواهم گفت با تمام افتخارات ذکر شده راستی چگونه می توان ایرانی نبود؟

جعفر صالحیان - آلمان غربی

## سخاوت احمد خمینی

همچنان ادامه یابد، بنا بر این مادر ایران شا ه شکل گرفتن قدرتی تازه از درون آشفتگی انقلابی نیستیم، بلکه تا هاد آدامه آشفتگی انقلابی هستیم که از درون آن، بسیاری کسان دست و پا می زنند بلکه بتوانند ساد حل نجاتی برای خود پیدا کنند.

هر کسی که بخوا هد پس از مرگ خمینی واقع آشفته ایران را سامانی دهد، نباید میراث خمینی را آدامه دهد، بلکه باید بر این میراث غلبه کند، و چون میسر است خمینی، حتی اگر خود و نیز چند صبا حسی دیگر زنده بمانند، دیگر آدامه دادنی نیست، قدرت در ایران فردا از آن کسی است که آهنگ غلبه بر این میراث را بکند. و درست همین جاست که این پرسش مطرح می شود: بخت رفسنجانی یا هر کسی دیگری، مثلاً، منتظری، برای غلبه بر میراث خمینی چقدر است؟

یگان یک کارگزاران رژیم کنونی، از بقیه در صفحه ۱۱

توانست، کشوری بهم ریخته را که هر نیروی آن را به سوئی می کند، جمع و جور کند؟ او در این رهگذر می خواهد ته مانده اقتدار آیت الله خمینی را در گفته خود بگذارد. این، در سرنوشتی که جفا های گوناگون رژیم آخوندی را در برابر یکدیگر قرار داده است، فهمیدنی است. لیکن در آوار ویرانی که در ساره تحولات ایران پس از خمینی می شود، هرگز نباید اسن و اقصیت اسن را فراموش کرد که آیت الله خمینی تمام قدرت خود را از سر کنده گی کا نونهای تصمیم گیری در جمهوری اسلامی بدست آورده بود. به عبارت دیگر رژیم اسلامی خود هر می ساخت که خود در راه آن قرار داده شده است، بلکه گذاشت که تا شیرا انقلاب در جهت زوال قدرت مرکزی

ایران سر کند، همه دارند خود را بسرای دوران پس از خمینی آماده می کنند. پیشدر آمد این دوران، که شدت یافتن جنگ قدرت یک علامت آنکار آن است، از ما هها پیش آغا ز گردیده است.

می گویند که رفسنجانی در این جنگ در مناسب ترین موقعیت قرار دارد، ایسن البته برآورد روزنا منگاران غریبی است که از دور با نزدیک به نظر ره محنه سیاسی ایران می سردا زند، ولی مسئله چیزی کوچکتر از تقیه کردن قدرت در سرزمین آشفته و آشوب زده ای نیست که انقلاب اسلامی آن را به چندین ساره سیاسی تقسیم کرده است. سئوالی که پاسخ منفی آن پیشا پیش روشن است، این است که آیا رفسنجانی خواهد

مهدی با زرگان در نامه های سرکشانه، از رفسنجانی سئوالی می کند، ولی جواب خود را از احمد خمینی می گیرد. با زرگان از رفسنجانی می پرسد که این جنگ ویرانگر تا کی باید ادامه یابد؟ احمد خمینی، البته از قول پدرش، پاسخ می دهد: تا آخرین قطره خون ایرانیان، در خورتوجه است که برای نخستین بار، احمد خمینی از پدرش روح الله نه به عنوان "امام" بلکه به عنوان "بدر سیرمن" یاد می کند. او در عین حال که خود را وارد دعوی با زرگان رفسنجانی کرده است، می خواهد هد یاد آوری کند که وقتی پای ریختن خون ایرانیان در میان باشد، خمینی جوان به هیچ روی کمتر از خمینی پیر سخا و تمند نیست.

بسیاری نشا نه ها حکایت از آن دارند که احمد خمینی سخت به دست و پا افتاده است تا به یاری رفسنجانی از یک سو، و صادق طباطبائی از سوی دیگر، جای خالی روح الله خمینی را در محنه سیاسی



### مسائل حقوق

قرارداد کنسرسیوم حاوی بعضی مطالب حقوقی نیز بود به این شرح: قرارداد دجز با توافق طرفین بیا در نتیجه حکم دادوی قابل فسخ نخواهد بود. ایران از بابت موضوع های گذشته هیچ گونه مطالبه ای علیه شرکت های امضا کننده قرارداد مطرح نکرده و هرگونه اختلافی که بین طرفین بروز کند می با بستن راه مذاکره و سازش و در مرحله نهائی به وسیله داوری بین المللی حل شود تعبیر و اجرای قرارداد و اختلافات متکی بر اصول حقوقی مشترک بین ایران و ملل متبوعه امضا کنندگان قرارداد خواهد بود. در مورد پیشامد فورس ما ژور و نتیجه مترتب بر آن نکاتی پیش بینی شده بود. متن فارسی و انگلیسی قرارداد هر دو معتبر شناخته می شود اما اگر اختلافی بین دو متن پیدا می شد متن انگلیسی اولویت می داشت.

### تعیین عنوان ضمانت

از ابتدای مذاکره درباره قرارداد کنسرسیوم نمایندگان شرکت ها اظهار کردند که شرط حتمی عقد چنین قرارداد تصفییه موضوع غرامت شرکت نفت انگلیس است. بنا بر این همزمان با مذاکره در خصوص قرارداد مذاکراتی نیز در موضوع غرامت بین هیئت نمایندگان ایران و هیئت نمایندگان شرکت نفت انگلیس بوسیله ریاست سفیر انگلیس صورت گرفت. هر دو رشته مذاکرات در یک زمان یعنی با عقد قرارداد کنسرسیوم با بیان یافت. ما وارد بحث تفصیلی درباره مذاکراتی که طی ۱۸ جلسه صورت گرفت و شرح استدلالات طرفین نمی شویم بلکه به بیان نتیجه مذاکرات اکتفا می کنیم. نتیجه ای که با لافزه بدست آمدیم یعنی بر نکات زیر بود: عنوان عدم النفع آینده از عداد مطالبات شرکت نفت انگلیس خارج شد. این اصل مورد توافق قرار گرفت که ضرورتی که به علت انقاي قرارداد متبنا زید شرکت نفت انگلیس وارد آمده بود (هزینه تهیه نفت از منابع غیر از ایران برای انجام تعهدات قرارداد) بگرایه کشتیهای نفتکش برای حمل نفت در خط سیرهای غیر عادی (و غیره) از ظرفی و ضرورتی نهائی که به علت جلوگیری شرکت نفت انگلیس از فروش نفت ایران در بازارهای جهان به دولت ایران وارد شده بود. همچنین سایر دعاوی متبنا بل ایران (مالیات مواد نفتی تحویلی به نیروهای متفقین در زمان جنگ - سهم ایران از ذخایر حشاش شرکت نفت انگلیس و چند قلم دیگر) از طرف دیگر در نظر گرفته شود در این مورد بنا بر اصرار سفیر انگلیس موافقت شد که از بررسی اقلام جزء به جزء خودداری شود. ولی هیئت نمایندگان ایران تا حدی که موجب وقفه مذاکرات نمی شده را شکی در دعوی ایران با فشاری نمود. پرداخت قیمت تاسیسات کرمانشاه و نفت شاه و پیش داخلي - بحساب بیاوردن قیمت تاسیسات شرکت نفت ایران در جنوب. در این مورد سفیر انگلیس کتباً و شفها "به عنوان نوعی گذشت از طرف شرکت نفت انگلیس اظهار کرد که چون تاسیسات مورد استفا ده کنسرسیوم قرار نخواهد گرفت از مطالبه قیمت آن صرف نظر می شود ولی هیئت نمایندگان ایران تذکر داد که دعوی یک چنین گذشت خلاف حقیقت است چون شرکت های عامل استهلاک بهای آن تاسیسات را به نفع خود برداشت خواهند کرد.

ترتیب تصفییه غرامت شرکت نفت انگلیس در قسمت دوم قرارداد کنسرسیوم شرح داده شده است و خلاصه آن اینست که بیست و پنج درصد از درآمد نفت ایران در مدت ۲۵ میلیون لیتر به عنوان تفاوت خالص در میان ایران و شعبین کرده و دولت ایران تعهد نمود که اگر در ده قسط سالانه بپردازد. اما اگر به قسط دیگری که در متن قرارداد بطور ضمنی به آن اشاره شده است دقیقاً توجه شود معلوم می گردد که آنچه بعنوان پرداخت غرامت و آنگاه "آزگیسه" ایران خارج شدیم تا ب بیش از این مبلغ بود. به این وصف که "ولاد" علاوه بر مبلغ مزبور شرکت های عامل طی مدت ده سال از ظرفی استهلاک تاسیسات موجود از زمان شرکت با مبلغ ۶۷ میلیون لیتر برداشت نمودند که ۲۱ میلیون لیتر آن در حقیقت حکم پرداخت از طرف دولت ایران داشت. تا نیا "یک قسمت مهم غرامتی که ایران واقعا" پرداخت نمود با توجه به تعهدات ایران در حقیقت از نظر مستورماند. به این معنی که دولت از یک رقم از مطالبات تصویب شده خود یعنی ۵۱ میلیون لیتر که ضمن مذاکرات قرارداد الحاقی حق مسلم ایران شناخته شده بود صرف نظر نمود و همچنین خسارتی که به علت جلوگیری شرکت نفت انگلیس از فروش نفت ایران مطالبه می گردید و هیئت نمایندگان انگلیس آنرا "از نظر ارفاق و بدون تصدیق تعهد" به میزان ۷۵ میلیون لیتر بر آورد کرده بود و معلوم "لا اقل بمیزان ۵۰ میلیون لیتر قابل اثبات بود ضمن ترتیبات تعهدات منتفی گردید. ثالثاً "شرکت نفت انگلیس بین تاریخ عقد قرارداد سال ۱۹۷۰ مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار از سایر شرکت های عضو کنسرسیوم به عنوان بذیره یا سرفصلی دریافت نمود که در حقیقت همان عدم النفعی بود که اظهار میکردند آن صرف نظر کرده است. از تعمیق در ماهیت این قلم ز دریا فنی های شرکت نفت انگلیس این نتیجه بدست می آید که پرداخت کنند "حقیقی" آن نیز ایران بود زیرا هفت شرکتی که همراه با شرکت نفت انگلیس وارد صحنه عملیات در ایران شدند بدون تردید تعهداتی می بایست پذیرفته و رود یا سرفصلی به دولت ایران بپردازد و زود حال آنکه آنرا به شرکت سابق پرداختند و ایران بدون دریافت هیچ عوضی آنها را در

### فواد روحانی

۷۲

## مصدق و نهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست

### آخرین قسمت

عملیات صنعت نفت خوددخیل نمود. حال چنانچه این نکات در نظر گرفته شود. مجموع غرامتی که ایران به شرکت نفت انگلیس پرداخته است حداقل بالغ بر ۱۴۷ میلیون لیتره (۲۵ + ۲۱ + ۵۱ + ۵۰ میلیون) خواهد بود. علاوه بر ۶۰۰ میلیون دلاری که شرکت مزبور از اعضای کنسرسیوم دریافت کرد.

### نک نظر کلی بر قرارداد کنسرسیوم

قفا و تصحیح درباره قرارداد کنسرسیوم از این منی توان دیدیم که این قرارداد دبا قانون ملی شدن نفت مطابقت ندارد یعنی موافقت آن با قانون مزبور محدود به جنبه های صوری و تشریفاتی و فرعی بودمانند قبول اصل ملی شدن و یکا بردن عناوین شرکت های "عامل" و "فروش" نفت و واگذاری عملیات غیر صنعتی به شرکت ملی. این مزایای ظاهری را نیز ایران به قیمت پرداخت غرامت به شرکت نفت انگلیس بدست آورد. گذشته از این نکات فقرات کنسرسیوم (تصدی عملیات، ترتیب معاملات، تصفییه عواید تحت عنوان پرداخت مالیات بر درآمد، طرز حل اختلافات و غیره) همه کاملاً برابری را برقرار کرده است. از معمول در سایر کشورهای منطقه بود. امروز که بیش از سی سال از تاریخ عقد قرارداد کنسرسیوم می گذرد قفا و در این امر دشوار است که آیا بهترین سوداگران با شرکت های کوچک و مستقل همکاری با خودیا گرفتن وام و کمک های دیگر به تنها می عمل می کرده یا حتی برای چندی متوسل به اقتصاددین نفت می شده؟ اما باید اضافه کرد که زطرفی در آن زمان بهترین شرایط روابط بین کشورهای نفتخیز جهان سوم و شرکت های نفتی همان بود که بموجب قراردادها می موجود در کشورهای خارومیانند. مجری بودوا زطرف دیگر ایران دچار وضعی بود که عملاً "توسل به روشی جهنگاری" در شرکت های بزرگ نفتی را اجازت نمی داد. البته دولت وقت از همه این نکات آگاه بود و حقیقتاً مسر را از نظر رینها نمی کرد چنانکه نخست وزیر وزیران را می هنگام تقدیم لایحه قرارداد به مجلس شورای ملی در تاریخ ۵ مهرماه ۱۳۳۳ وضع حقیقی را طی بیاناتی که قسمتی از آن را نقل می کنیم توضیح دادند:

سرلشکرزاهدی:

"... در دنیا کمالاتی می افتد که بشر به هم آرزوهای خود در حد کمالات نائل شود چنانکه ملاحظه خواهد فرمود این مشکل نفت به بهترین وضع ممکن حل شده است."

دکتر امینی:

"... ما مدعی نیستیم که راه حل ایدال مشکل نفت را پیدا کرده ایم و قرارداد فروشی که بسته ایم همان چیزی باشد که ملت ایران آرزوی کند... زیرا راه حل ایدال برای ملت ایران روزی بدست خواهد آمد که ما آن قدرت و ثروت و وسایل فنی را پیدا کنیم که قادریم با کشورهای بزرگ باشیم... فعلاً تا روزی که ما به آن درجه قدرت و نیرومندی نرسیده ایم حدود فعالیت ما برای رسیدن به هدف ایدال یعنی فروش نفت ایران بدست خودمان به بیش از آنچه ظرف سه سال گذشته رسیده است نخواهد رسید... این قرارداد اگر با ایدال ملت ایران مندرجه منطبق نیست ولی با مقایسه با سایر قراردادهای صدرمد بهترین و عالی ترین قراردادهاست که تا کنون را جمع به معاملات نفت در دنیا تنظیم شده است."

البته درست ترین بود که ایشان بجای این عبارت می گفتند: "ولی می توان گفت که شرایط هیچ یک از قراردادها نمی که تا کنون را جمع به معاملات نفت در کشورهای جهان سوم تنظیم شده است از شرایط این قرارداد دبهترین است."

بیان

## گفته های مدیره

یک گزارش از شهر میانه حاکی است که بمباران این شهر ساختما ن های متعددی را ویران کرده در نتیجه تعدادی کشته و مجروح شدند. در میانه میانها، غیر از دبستان دخترانه با راه و دبیرستان زینبیه و کمره به نور، مرکز سبانه اداران بر اثر ما بت بمب ویران شد. رژیم در شهر شایع کرده که مرکز سبانه با اداران که هدف حملات هوایی واقع شد قبلاً تخلیه شده بود.

از سوی دیگر مدیره حزب اللهی دبیرستان زینبیه با ممانعت از خروج دانش آموزان، موجب مرگ بسیاری از آنها شد. این مدیره حزب اللهی هنگامی که هواپیماهای عراقی در آسمان شهر ظاهر شدند و دانش آموزان را که هجوم آورده بودند مدارس ترک کنند، گرفت. در نتیجه خود وی و تعداد زیادی از دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله به وضع فجیعی به قتل رسیدند. مردم میانه که از اقدام مدیره مدرسه با نفرت با دیدی کنند، تا کنون بارها دست به اعتراض زده اند.

## ناید فروش اسلحه

به نوشته روزنامه ها میانه میانه با لیبی، "لر طرف کارن، وزیر مشاور انگلستان در امور تسلیحات، در مجلس ایمن انگلستان از فروش سیستم های رادار به جمهوری اسلامی جانبداری کرد. لر طرف کارن اظهار داشت: فروش رادار به جمهوری اسلامی، سیاست دوگانه انگلستان را مبنی بر عدم تحویل جنگ افزار به جمهوری اسلامی نقض نمی کند. وزیر مشاور دولت بریتانیا در امور تسلیحات، افزود: شرکت "پله سی" تنها سیستم های راداری به جمهوری اسلامی می فروشد که قرار است بطور گامی در مرزهای شمالی و شرقی ایران با شوروی نصب شود. وی افزود سیستم های مذکور جنگ افزار به شما نمی آید.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ فوریه

## اخراج خبرنگار

به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی، جرائد سایب خبرنگار نشریه وال استریت جورنال، روز ۵ فوریه از ایران اخراج شد. وی دیگر مجاز نیست به ایران باز گردد.

جرائد سایب که به اتهام جاسوسی به نفع اسرائیل در تهران با زداشت شده بود از سال ۱۹۸۵ در قاره فعالیت می کند و دو هفته پیش به دعوت رژیم اسلامی برای بازدید از جنبه های عملیات کربلای ۵، همراه مدت روزها مدنگار خارجی وارد تهران شد.

بر اساس همین گزارش، میرحسین موسوی نخست وزیر اسلامی در بیان جلسه هیئت دولت اسلامی در روز ۵ فوریه اعلام کرد جرائد سایب طرف دوسه روز آینده از ایران اخراج می شود. وی گفت: چرا که سایب در جنبه های جنگ، اطلاعات مشکوک جمع آوری می کرد. اما اکنون پس از تحقیق مسئله روشن شده است.

خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع موثق جمهوری اسلامی می نویسد: جرائد سایب، خبرنگار نشریه ای آمریکا وال استریت جورنال که شنبه شب ۳۱ ژانویه در تهران با زداشت شد می بر آن داشت تا اطلاعاتی درباره ی شخصیت های طرفدار آمریکا در برطن حکومت اسلامی به دست آورد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، بدون ذکر نام این خبرنگار را، اعلام کرده بود که وی متهم به جاسوسی به نفع اسرائیل است. به گفته کفته ی خبرنگاری جمهوری اسلامی این خبرنگار را یک کذربانی جعلی، اما با کارت مطبوعاتی واقعی، وارد ایران شده بود.

### تقلب اشکار در ارقام بودجه

بجای دریا راه لایحه بودجه ای که اخیراً از سوی میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم به مجلس شورای اسلامی داده شده است، بخاطر اینکه در کلیات و جزئیات ارقام بودجه آنقدر مسامحه و تقصیر است، اعداد غیر واقعی و پیش بینی های مبالغه آمیز و مزورانه بکار رفته است از هر جهت بی فایده و اصولاً بدور از شأن یک نشریه جدی و منطقی است، لذا با همه ضعف های که در آن دیده میشود مسئله در حقیقت بصورت یک نمایشنامه فکاهی درآمده است از بحث در آن درمی گذریم، زیرا تجزیه و تحلیل استخوانهای بودجه اصلی و ریشه تنها درخور همان نمایشنامه نیست که با یک اثاره مسئولین خوشرفی آغاز می کنند و با اثاره های دیگر خفایان همه وجودشان را فراموش می کنند.

اما آنچه که در این زمینه گفتنی است تلاش مذبحان نه و فریبکاران نه رژیم برای جا بگزیستن عایدات صادرات غیر نفتی بجای درآمدهای حاصله از فروش نفت است که اصولاً اگر در گذشته و حال و آینده تفکری اساسی و بدون ریا و تزویر در این مورد بعمل آید راهی درستی و منطقی پیش گرفته شده و عملی قابل تامل و تحسین خواهد بود.

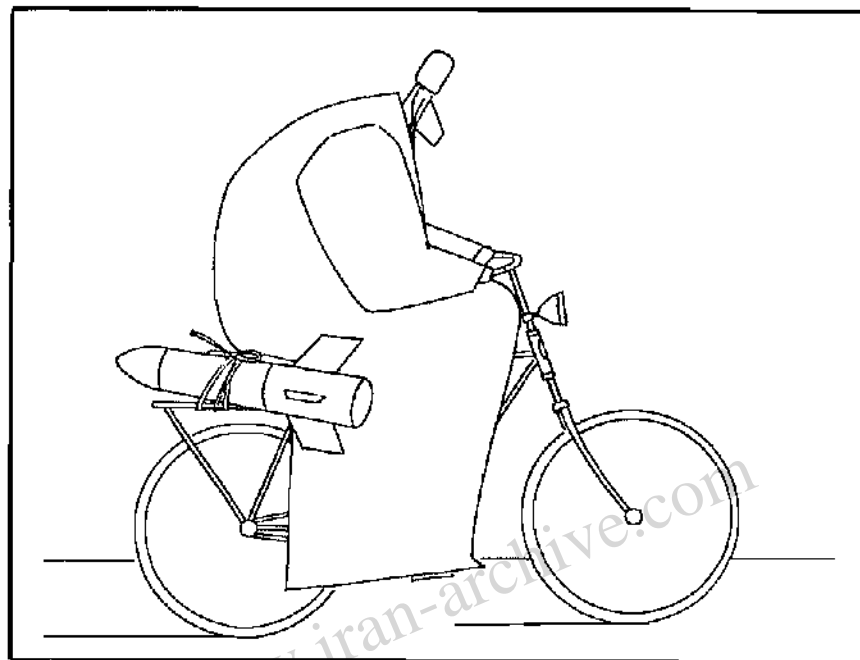
رژیم مسامحه آمیز و کوچکترین تا بهمتترین آنرا به مسخره گرفته و تمام خلافاکاریهایش را تنها با رنگ و لعاب تبلیغاتی دروغین می پوشاند، تصور می کند در این زمینه نیز قادر است با اعداد و ارقام سازی کند و مسامحه و تقصیر را با ترها تی نظیر امداد های غیبی، اثاره های تزویج های اما ممت و غیره تجزیه و تحلیل نماید.

اگر میرحسین موسوی معتقد است که درآمدهای حاصله از صادرات غیر نفتی نسبت به درآمدهای حاصله از فروش نفت افزایش چشمگیری داشته است، تنها به این خاطر است که فروش نفت در سال جاری از میزان سال گذشته تقریباً ۱۰۰ درصد حدود نصف تقلیل یافته و در چندین سال و احوالی بدینوسیله است چون درآمد حاصله از صادرات غیر نفتی هم چنان ثابت باقی مانده است لذا نسبت حاصله از این نشان می دهد بدون اینکه در کیفیت ارقام تغییر حاصل شده باشد.

برای روشن شدن موضوع لازم به توضیح است که بنابر گزارش مجله معتبر و اقتصادی "مید" چاپ لندن مسووخ ما در اوت ۱۹۸۶ مهمترین صادرات جمهوری اسلامی در سال پیش، پسته، خرما، سبزیجات، بیابان و خاویار بوده است که تواتر نسبت مبلغ ۹۰ میلیون دلار از این باب درآمدها داشته باشد، سن از آن نوبت قالی، گلیم و جاسیم و صنایع دستی میرسد که مابقی دولت از

آنها نیز ۶۳ میلیون دلار تجا و زنگسرد بطوریکه جمع این دو رقم به ارقامه سایر محصولات صادراتی رژیم رقمی حدود ۱/۵ الی ۱/۹ درصد کل درآمدهای ارزی ایران را تشکیل می دهد (بقیه مربوط به فروش نفت است) با این حساب اگر فروش نفت را در سالهای گذشته به میزان ۱۵ میلیارد دلار در سال بحساب آوریم

با زرگانی رژیم در افزایش این رقم صوری و بدون محتوی دستا فاشی و پاکوبی می کنند و کودکا نه شکلک درمی آورند و از سوی دیگر محسن نوربخش رئیس پیشین و متعصب بانک مرکزی جمهوری اسلامی که شا بدعا طر گفته های تقریباً صادقانه اش با خفت و خوارگی کنار گذاشته شده است بخاطر اینکه اثرات تبلیغاتی سوء و غیر حقیقی رژیم را خنثی نماید به



هما نظریه قبلاً اثاره شد با تنزل درآمد ارزی حاصله از فروش نفت و نظرمحاسبان در حدود درآمد فروش مواد غیر نفتی نسبت به درآمد نفت افزایش صوری را نشان می دهد.

در این آشفته با زار جالب ترا ز همه مطالعه نشریه ۱۴ صفحه ای است که تا ق با زرگانی و صنایع و معادن ایران (ضمیمه هفته نامه شماره ۱۲ دیماه ۱۳۶۵) تحت عنوان "راهنمای صادرات کالا، منتشر شده و اخیراً بدست ما رسیده است. در این نشریه که واحد گمرکسی ا تا ق با زرگانی آنرا تهیه و تنظیم کرده است، ضمن انتشار اطلاعاتی برای صادرات انواع فراورده های غیر نفتی و تشویق تجار به این فعالیت و تشریح مطالبی بی سروته در زمینه، چگونه میتوان کالا

صادرات کرد، واردات در مقابل صادرات، پیمان ارزی و غیره در پیمان لیست با لایسنس از انواع کالاهای صادراتی منتشر شده که از نظر اینکه خوانندگان به اهمیت این نوع کالاهای صادراتی آگاهی یا بندوباد کننده از این طریق چه میزان هنگفتی به درآمد ارزی کشور افزوده خواهد شد تنها به چند قلم اثاره می شود: کشک - قهوه قوروت - هسته خرما - نجوچک - علف خشک بیابانی - بذریسویزیسی با ستنای تخم هندوانه و تخم خربزه - سفوف - چوبک - گل سونگون - گل ساج خروبی وحشی - گل وریش ختمی - ریش سریش و بدنیال این اقلام به تعدادی از انواع میوه و تره بار اثاره میشود که مردم ایران خود برای دستیابی به آن هراسان هستند و اثاره فراوانی در این زمینه فرستاده شده است که متأسفانه در زمینه صادرات فرستادن اثاره در پیمان جهانی رقابتی سر سخت و در عین حال قانعی پیدا شده است که این فراورده معروف کشورمان نیز به تدریج با زار خود را از دست می دهد.

استند گفته های قبلی خود در باره اینکه صادرات غیر نفتی هیچگاه قادر نیست از حدود ۴۰۰ الی ۴۰۰ میلیون دلار افزایش بیشتر داشته باشد مجدداً در روزنامه کیهان چاپ تهران چاپ شد در ۱۳۶۵ بحراحت اعلام میدارد: آنچه مسلم است نفت همچنان به عنوان بخش مسلط اقتصاد ایران باقی خواهد ماند نقش مهمی دارد و خواهد داشت و اگر اخیراً درآمدهای غیر نفتی نسبت به درآمد های نفتی افزایش نشان می دهد تنها پدیده واردات گسترده نفتی درآمدهای نفتی است، بلکه فقط ارزش در صدی آن از افزایش ظاهری برخوردار بوده است یعنی

درآمدهای ارزی غیر نفتی به حدود ۲۵ الی ۳۰۰ میلیون دلار می رسد، اینک که فروش نفت به حدود ۷ میلیارد دلار در سال تقلیل پیدا کرده مسلماً درآمد های ارزی حاصله از فروش مواد غیر نفتی بسیار وجود ثابت ماندن رقم ۳۰۰ میلیون دلار نسبت به درآمد های حاصله از فروش نفت رقمی دوبرابر نشان می دهد. و این همان تقلب و تزویری است که آخوند ها در زمینه افزایش صادرات غیر نفتی علم کرده اند و نه ملت بلکه خودشان را به مضحکه و تمسخر کشا نه اند، جالب است از سوی میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم و فاجدهای جعفری وزیر

هم میهنان عزیز! هر روز تلفن خیری نهفت مقامت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ یارین

زنده مانده هوا بیما می اندازد که چندین سال پیش در کوه های "آند" سقوط کرد، آنجا، بر اثر چند روز گرسنگی مانده، سرانجام گوشت مسافرانی را که مرده بودند، خوردند، یکی از آنان، پس از آن که نجابت یافت، گفت تا عمر دارم، نخواهد توانست از کراهت کاری که شده است خلاصی یابد، برخی از آنان که نشان به تیشما رسان کشید.

و امروز، مسلمان فلسطینی، چون نمی تواند مرده خواری کند، از خمینی اجازه میخواهد که هم اردوگاه خود را، با بجا آوردن مراسم ذبح اسلامی، طعمه خویش سازد، خمینی که اینهمه در کرامت جنگ سخن می گوید، یک لحظه بنشیند و با خود ببیند که اگر جنگ مسلمان با مسلمان جنگ برادر کشی - نبود، آیا چنین وضع هولناکی برای مسلمانان پیش می آمد؟

امروز در جنگ داخلی لبنان این را برای مسلمانان اردوگاه سورج البیرا چنه پیش آورده است، وفردا می تواند در جاسای دیگر نیز چنین اتفاقی بیفتد، اسلام خمینی که مدام خون تازه می خواهد، فقط به خویشی بنده نمی کند، دارد مسلمانان را به چنان فلاکتی می اندازد که گوشت تن یکدیگر را نیز بخورند.

لحظه ای در دور آن درنگ نخواهد کرد، اسلامی خمینی با این داعیه میبایدان آمد که مسلمانان را از درماتندی و پستی به مقام و منزلتی درخور انسان برساند، اما در عمل کار را بدینجا رسانده است که مسلمانان برای آنکه فقط زنده بمانند، می خواهند از گوشت مسلمانان دیگر تغذیه کنند.

رسم آدم خواری که با دکانی از توحش برخی قبیللهای آفریقا بود و امروز در جهان بر افتاده است، دوباره به شکوانه جنگ مسلمانان با مسلمانان که خمینی به درستی بودن و شرعی بودن آن فتوا داده، در قلب یک سرزمین خاورمیانه ای با اکثریت مسلمان زنده شده است، اسلام خمینی نه تنها بدترین یا دکانی رتوحنی را که سر در قبیللهای دور افتاده آفریقا وجود داشت، زنده می کند، بلکه رسم سبزی شده ای را در جنگها بیاد می آورد که قشونی شهری را چندان در محاصره نگذاشته تا از فرط گرسنگی سربسته تسلیم گردد، نا گفته پیداست که برخی از گرسنه ماندگان در اردوگاه البیرا چنه، ممکن است بی آنکه منتظر فتوای خمینی شوند، گوشت نزدیکان خود را خورده باشند، این انسان را سی اختیار به بدبختی انسان

### فتوای آدم خواری

با فته اند، درخواست شوم و کراهت آورا ز خمینی تا فتوای در این باره ما در کنگه سی سبزی نیست، فقط خمینی، مرد فتوا های عجیب و غریب، می تواند بی آنکه خمیه بسوزد، چنین فتوای ما در کند، وقتی او فتوا داد که گوشت یخ زده و ماهی خاویار حلال است، برخی این را حمل بر واقع بینی او کردند، ولی هنگامی که فتوا داد جنگ مسلمان با مسلمان اشکالی ندارد، معلوم شد که آدم خواری جنگ، شایسته ترین کارگزار رومدر خبود را یافته است، و امروز خمینی می تواند به حکم فتوا به مسلمانان در محاصره سلیمانان قرا ر گرفته، امکان دهد که کار در حلق برادران و خواهران و فرزندان خود بماند.

اگر خمینی چنین فتوای صادر می کند، این به هیچ روی دلایل انسانی ندارد، بلکه دلایلی کاملاً سیاسی دارد، اگر اسباب کار را از حیث سیاسی مساعده بیند

جنگ جمهوری اسلامی و عراق و جنگ داخلی لبنان، مسلمانان را فقط به خون یکدیگر تشنه نگردانده است، آنان نه تنها خون یکدیگر را می ریزند، بلکه در آستانه بغورند، وقتی خبر کزاریها این خبر را از بیروت مخابره کردند، به نظر راست نمی آید، ولی عین حقیقت بود.

بیست هزار فلسطینی ساکن در اردوگاه سورج البرا چنه، پس از آن که ۷۲ روز تمام چنان در محاصره شیعیان امل قرار گرفتند که راه رساندن خوراک به آستان بسته شد، از آیت الله فتوا خواسته اند که به آن ها امکان دهد گوشت کسان را که از فرط گرسنگی نای زندگی ندارند، بخورند، آنها گوشت سگها و گربه ها را، البته بی فتوا، خورده اند و اکنون که دیگر سگ و گربه ای در اردوگاه نیست، احاز می خواهند که زکوات آنها تنها می که با لیاقت در کنار آنان زندگی کرده اند، تغذیه کنند، و این را نیا ز مندفه است

# هشدار شوروی

بقیه از صفحه ۱

سیاستمداری که چنددهه تمام کوشش به زیرومیسیاست بین المللی آشناست، و حرفهایش را، پیش از آن که بگوید، در ترا زومی گذارد و می سنجد بسیار درخور توجه و شنیدنی است.

گرومیکو هرگز به عنوان انسانی اهل احساسات، آنهم در سیاست، شهرت نداشته است، اگر می گوید که جمهوری اسلامی نباید بگذارد گورستانهایش از گشتگان جنگ بر شود، دارد هشدار خطیری می دهد که اگر به گوش زمانه در آن جمهوری اسلامی فرو نمی رود، ایران نپای را که برای گرفتن بیامهای پرمعنی گوش حساسی دارند، در اندیشه فرومی بود. وقتئسی گرومیکو در یک گفتگوی "صریح و جدی" می گوید: گورستانهای ایران را از گشتگان بیشتر جنگ بزنند، به هیچ وجه قصد تبلیغاتی ندارد.

سخنان گرومیکو در واقع می توانند پاسخی به ادعاهای هاشمی رفسنجانی باشد که گفت منظور از جمله "کربلای ۵" درهم شکستن ماشین جنگی عراق است. گرومیکو می خواهد بین ما و اندک این ماشین جنگی، نه تنها درهم نمی شکنند بلکه، هنوز می تواند گورستانهای ایران را ارجاسد به مراتب بیشتری بکند. هنگامی که کسی در سطح گرومیکو چنین حرف می زند،

خوب می دانید چه می گوید، زیرا وی مسلماً "بهتر از هر کس دیگری از چند و چون ماشین جنگی عراق خبردار است."

هاشمی رفسنجانی می گوید که جمهوری اسلامی نمی خواهد شهرهای عراق را به تصرف در آورد، بلکه می خواهد ما شیخین جنگی این کشور را منهدم کند. فقط ساده لوحان هستند که متوجه نمی شوند، بس از آن که ما شیخین جنگی یک کشور درهم شکست، تصرف شهرهای آن دیگر به لشکرکشی نیازی ندارد، بلکه فقط یک پیاپی ده روی تفریحی خواهد بود. و اکنون این شخص آقای گرومیکو است که صریح و جدی می گوید شوروی اجازه نخواهد داد ما شیخین جنگی عراق منهدم شود.

شوارنادزه، پیش از مسافرت ولایتی به مسکو، در دیداری با سفیر رژیم تهران در شوروی گفت که دولت او برای این سفر اهمیت بسیاری قائل است، اگر این سفر برای استیلا اهمیت داشته باشد در همین است که بلندیایه ترین مقام شوروی، رودرو، به بلندیایه ترین مقامی از جمهوری اسلامی که تاکنون به شوروی سفر کرده، گفته است که موضع این دولت در قبال جنگ جمهوری اسلامی و عراق چیست.

شوروی با عراق بیمان دوستی نیست

## جنگ بی رحمانه قدرت

لورن جنکینز، خبرنگار واشنگتن پست که در تهران به سر می برد، در گزارشی زیر عنوان: "جنگ قدرت میان جناحها در تهران با لایمی گیری" می نویسد:

جنگ قدرت بی رحمانه میان جناحهای آخوندی رژیم تهران بر سر جناح نشینی آیت الله خمینی، شدت می گیرد. دیپلماتهای خارجی و تحلیل گسرا ن سیاسی در تهران می گویند حداقل از نه ماه پیش که نشانه های خرابی وضع جسمی رهبر ۸۶ ساله انقلاب که - بیما قلبی و سرطان پروستات دارد - آشکار شد، جنگ قدرت سخت بالا گرفته است.

خبرنگار واشنگتن پست می نویسد: در اختلافات و منازعاتی که میان مسرا کز متعدد قدرت در رژیم اسلامی وجود دارد، آیت الله خمینی همواره نقش دا ورا صلی را داشته است که آخرین کلام را بر زبان می رانده است. اما عقیده مفسران ایران و خارجی بر آن است که با مرگ آیت الله خمینی نیروی قدرت بی برده و خشونت باری در میان سران رژیم اسلامی درخواهد گرفت.

در راهی مهمترین مراکز قدرتی که به گونه دونیروی خصم در برابر هم ایستاده اند از یک سو آیت الله حسین علی منتظری ۶۳ ساله قرار دارد که دو سال پیش از سوی آیت الله خمینی به جانشینی وی تعیین شد، از سوی دیگر هاشمی رفسنجانی ۵۲ ساله رئیس مجلس شورای اسلامی است که با کنار زدن دیگران روز به روز قدرت خود می افزاید.

دو روسته منتظری کوششهای رفسنجانی را در ایجا در رابطه با غرب که برای دستیابی به اسلحه و فضا را آوردن بر عراق انجام شد، سخت مورد تخطئه قرار داده اند.

خبرنگار امریکایی می گوید: به گفته منابع آگاه، نیروی قدرتی که در ایران

سالهای دارد، شوروی در این جنگها، بین کننده اصلی اسلحه برای عراق است، شوروی فرصت بزرگی بدست آورده است که در زمینهای آزدست داده را در خاور میانه عربی، دست کم تا حدودی، دوباره بدست آورد، بلکه تسخیر زمینهای تازه ای را نیز در چشم انداز می بیند.

آیا عقل با ورمی کند که این همه دستاورد را که حاصل سالها تلاش پیگیر بوده است، در برابر بریلند پروا زبهای جنون آمیز مردی خود سرو خود کا می سودا کند؟ آیا شوروی حاضر است نتیجه این زحمات را، به اضافه با ورنی و آبروی خود، ما به بگذارد تا آیت الله خمینی به هدف جنگی خود برسد؟

شوروی خوب می داند که آیت الله لایا پدر همین سرزهای بین المللی ایران و عراق متوقف شود، وگرنه هرگز متوقف نخواهد شد. شوروی خوب می داند که بی ثبات شدن منطقه به وسیله صدور انقلابی اسلامی از نوع آنچه در ایران اتفاق افتاد، چه بیامدهای خواهد داشت.

علی اکبر ولایتی لایا پدای قدر شعور داشته باشد که این حرفها را بفهمد، و رهبران شوروی بیگمان در مذاکرات "صریح و جدی" این حرفها را به وزده اند. ولایتی پیش از رفتن به این سفر به دیدار خمینی رفت، ولی فاش نشده که در این دیدار چه گذشت، ولایتی پس از بازگشت از این سفر نیز احتمالاً به دیدار خمینی رفت و به وی حرفها را زده است که خمینی اصلاً "دوست ندارد" بشنود.

محمودیه مثلاً به حمله به سیاست رفسنجانی تلقی شده است. مهدی هاشمی وعده زیادی از ایران نزدیکی ظاهر "بنا به خواست رفسنجانی در مهر ماه گذشته به جرم خیانت و سوءاستفاده از قدرت دستگیر و زندانی شده اند.

واشنگتن پست - ۵ فوریه ۸۷

## درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۳۰۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۵۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجا شب ( نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین )  
 نام خانوادگی: Nom .....  
 نام: Prénom .....  
 آدرس: Adresse: .....

ما بایلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال ( ) به مدت شش ماه ( ) به حساب بانکی شماره حسابی نشریه ( ) به حسابی نشریه ( ) بفرستید. مبلغ ( ) فرانک

تاریخ ارسال می کرده.

تاریخ امضاء

شماره حسابی:

QYAM IRAN  
 C.C.P No: 2400118/E  
 PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN  
 Crédit du Nord  
 78, Rue de la Tour  
 75116 Paris  
 Compte No: 11624700200

## توجه لازم

تعداد دارد تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامهای که به آدرس حسابی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

## سخاوت احمد خمینی

بقیه از صفحه ۸

رفسنجانی گرفتار منتظری و خامنه ای با هر ترکیب قابل تصور دیگری، خود را در تداوم اس انقلاب و اس رژیم - در شورویسم، در جنگ، در اخلاق - بین آن در کسر کرده اند که بنوا سدره خسود را از آن جدا کنند، و کسی که راه خود را از این انقلاب و رژیم جدا نکند، راه جز سقوط درسی ندارد. ممکن است به دیده ناظران غربی، موقعیت رفسنجانی در سرد قدرت مسعدترا موقعیت منتظری باشد، این بدان می ماند که نظامی در سلی جاری بگوئیم که موقعیت کوه در آن مسعدترا موقعیت وزغ است، اس به جای خود، ولی هیچ یک از این دو در موقعیتی نیست که نتوانند سیل را مهار کنند.

سروری سطحی بر سران نشینی که در کشورهای آمده است، هنگامی که در با عمق فاجعه ای که انقلاب اسلامی و حکومت برآمده از آن

مهازمی کند.

بقیه از صفحه ۱

در لبنان محنت زده، که فعلا" میسدان ترکنازی کشورهای خارجی است، "تری ویت" نماینده اسقف کاتولیک نترسوری، چهار معلم آمریکا می و دو با زرگان آلمانی به اسارت گروگان گیرها در آمدند.

"تری ویت" که سال گذشته نیز برای آزادی گروگان های آمریکا می در لبنان اقدام کرده بود و با سران گروه های مسلح حزب اللهی در لبنان آشنا می نزدیک داشت، تصویری کردستوا ندیکبا ردیکر کاری درین زمینه انجام دهد و با وجود آنکه سفیر انگلیس در لبنان به وی اظهار کرده بود شرایط نسبت به سال پیش خیلی فرق کرده است، خطر کردوبه بیروت رفت و عازم گشت و گویا آدم ربایان شدولی خود او دیگر برنگشت، بقول سعدی:

دام هر با رماهی آوردی

ماهی این بار رفت و دام مبرد!

چرا چنین تصویری برای "تری ویت" و عالیجناب اسقف کاتولیک نترسوری پیش آمده بود که علی رغم اخطار سفیر انگلیس در بیروت کاری از دستشان ساخته است و در هر حال، اگر هم سفر تری ویت کار ساز نباشد خطری در بر نخواهد داشت؟ برای اینکه اسقف کاتولیک نترسوری مثل پاپ اعظم دربار شخصیت خمینی و فرقه خمینی به دچار اشتباه شد.

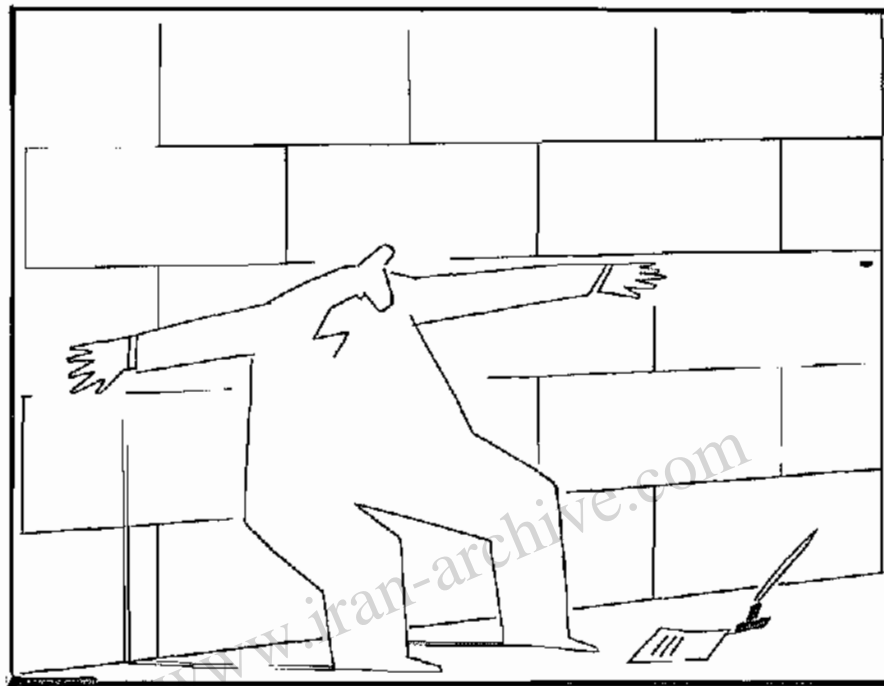
اکثر رهبران مذهبی و سیاسی جهان هنوز آیت الله خمینی را نشناخته اند. آنها گمان می کنند خمینی چون عنوان آیت الله و فقیه و امام در دروغت روحانی می باشد اخلاقا "هم مقید به معنویست و روحا نهیت است. خیال می کند آیت الله خمینی به سیاستمداران بدبین است ولی به مذدیبون احترام می گذارد و شان و مقام آنها را مراعات می کند. خیال می کنند انترنسی از طرف پاپ اعظم اسقف کاتولیک نترسوری عنوان نمایندگسی داشته باشد در خواهد بود از زبان مشترک، اهل مذهب بهره بگیرد و با آیت الله خمینی یا اطرافیان و دست پروردگان و پیروان منتصب وی با بگفت و گو بگشاید.

آزما تصور کرده باشی

چنین اشتباهی را اولین بار "جیمی تاوتر" مرتکب شد که وقتی لوح ربودن آیت الله خمینی را بمنظور مبادله با گروگان های آمریکا می به عرضه کردند گفت خمینی یک شخصیت روحانی است و با شخصیت روحانی نباید همچو معامله می کرد، بعد هم با زبا همین

آیت الله خمینی را تشویع کرد که حربه گروگان گیری را در موا رد دیگر هم بکار گیرد.

این عقیده درستی است ولی در عین حال باید قبول کرد که تساهل جیمی تاوتر در قبال مسأله گروگان گیری و اشغال سفارت آمریکا مثل تساهل شیخ سعدی با



تصوراً زبا بمنظور وساطت در میان آزادی گروگان ها کمک خواست و پات نماینده ویژه ای را با پیام احترام آمیزی به دیدار آیت الله خمینی فرستاد ولی آیت الله، ازین فرصت برای تحقیر پاپ و کارتر، استفا ده کرد و جلوی دوربین های تلویزیونی مقصداری نیجا ره هر دو تحویل داد و دنیا بیننده وایتیکان را دست از زبا ترسباز کردانید.

امروز عقیده عمومی بر اینست که آمریکا در قبال نخستین گروگان گیری آیت الله بشدت ضعف نشان داد و همین

آن سرک گستاخ چندان خوش عاقبت نبوده است.

طبق یک روایت عامیانه، شیخ سعدی روزی از با زار می گذشت، بزرگ چشم دریده می هوس کرد دستی به او برساند. سعدی هیچ عکس العمل خشم آمیزی ابراز نکرد. در کمال ملایمت ده درهم به بزرگ داد و گفت: "از ما نخورده باشی!"

بزرگ تشویع شد، با خودش گفت وقتی شیخ یک لاقبا می بخا طرا این عمل ده درهم می دهد لابد شاخص محتشم بیشتر خواهد داد. روز بعد، در با زار به ده روغ نیز دستی رساند. داروغه گفت او را گرفتند و

محموله آنها، تولید کنندگان فرانسوی جنگ افزار ایران داشت تا راه مسای جدید عملی دیگری برای ارسال سلاح به ایران بیا بند. یکی از این راه ها استفا ده از بنا در بلژیک بود. از آنجا که بلژیک و فرانسه هر دو عضو سازمان همکاری هستند، حمل و نقل کالا بین دو کشور در کمال سهولت و بدون تشریفات گمرکی انجام می شود. شرکت "لوسر" شعبه ایتالیا می شرکت اروپا می جنگ افزار معروف به "س" به سرعت از این امکان برای رساندن خمپاره های ۲۰ و ۱۵۵ میلی متری به جمهوری اسلامی استفا ده کردند. از آنجا که ارسال سلاح به جمهوری اسلامی با بارنا هم مقصد عملی انجام می گیرد، در بندر "زبروز" کنترل جندانی در مورد این محموله ها اعمال نمی شود. تولید کنندگان سلاح در دیگر کشورهای اروپا می از جمله بلژیک، هلند، آلمان غربی و سوئد از راه دیگری نیز برای ارسال مخفیا نه جنگ افزار به جمهوری اسلامی استفا ده می کند. محموله های

دستش را بریدند! گروگان گرفتن ۵۲ آمریکایی در تهران اگر چه فرصت بی مانندی برای خودنمایی و بازیگری در اختیار آیت الله خمینی قرار داد ولی در نهایت امر، دودش به چشم ایران رفت و کشور ما آنچنان غرامت سنگینی با ست با زی غیر عاقلانه آیت الله پرداخت که هیچ کافر آن را در حق دشمن خود روا نمی شمرد.

زبان هایی که از رهگذر گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا به ایران رسید قابل احماء نیست. تعهداتی که ایران در بدترین وضعیت مجبور شد بموجب قرار داد الجزا بربیدان تن به دفع فقط جزئی از آثار شوم گروگان گیری است. آنچه درین هفت سال برای ایران رسیده هستی کشور و ملت ما را به آتش کشیده پیامد همان عمل ابلهان گروگان گیری است. عربها ضرب المثلی دارند که منگوید ما قل از یک سوراخ دوبا رگزیده نمیشود، ولی جا هل، چنان که می بینیم، اگر ده بار هم از سوراخی گزیده شود بسیار انگشت در همان سوراخ می کند.

گروگان گیری، تروریسم، شانتاژی چکدام از ابدا عات رژیم آیت الله نیست. اینها پدیده های خیلی کهنه است که بیرون کشید و راه رفتنای جدید کرد. منتهی آنکه در این با زی لطمه می خورد برخلاف تصور و ادعای آیت الله، دستیای پیشرفته نیست. یک بیلان هفت ساله جوی چشم شماست. برنا رید ببنید کی درین معامله ضرر کرده است. تعداد آمریکاییها و فرانسویها و انگلیسی ها و آلمانی ها می که در طول این مدت گروگان گرفته شده اند به مدتن نمیرسد. یکی دوتن از آنها بر حسب تصادف مرده اند و دیگران، بعد از مدتی با سلام و صلوا ه آزاد شده اند. اما اینطرف، ملتی خرد و خمیر شده و همه چیزش را بهای این بازیها ای احقا نه که جماعتی زبان نفهم با تفکرات و سیاست های قرون وسطا می خود بسر او تحمیل کرده اند دست داده است.

سلاح از طریق جاده "لوسور" یا راه آهن به فرودگاه "لیل" واقع در فرانسه حمل می شود و از آنجا با هوا بیما های چارتر متعلق به کشورهای ثالث و با برنامه های جعلی به ایران فرستاده میشود. روزنا مه بلژیکی "لوسور" قتل زنی را سوئدی، کارل فردریک آلگرون" را نیز به ما برای قا چاقی سلاح به جمهوری اسلامی ربط می دهد. زنی را "آلگرون روز ۲۵ دی ماه سال در شیرا سکهلم بوسیله، شخصی ناشناستی به زیر مترو انداخته شد. او در باره فروش مخفیا نه سلاح به جمهوری اسلامی سوئدها ز سوی شرکت "سوسورس" تحقیق می کرد.

لوسور، خاطر نشان می کند که دو کشتی اچاره شده از سوی شرکت بوفورس از بندر "زبروز" عبور کرده اند.

لوسور - ۵ فوریه ۸۷

قاچاق سلاح

در این حال به گزارش خبرگزاری فرانسه وزیران امور خارجه دو راهی بلژیک به این عنوان که دولت بلژیک هنوز منتظر نتیجه تحقیقات دربار ره فروش سلاح به جمهوری اسلامی است از دادن هرگونه توضیحی در این باره خودداری کردند. یادآوری می کنیم که پس از نخستین افشاکری ها دربار ره فروش سلاح به بلژیک به رژیم تهران "لوتیندمن" وزیر امور خارجه بلژیک، دو ماه قبسل دستور داد تحقیقاتی در این باره آغاز شود. به نوشته روزنامه "لوسور"، افشاح قرون مهمات از سوی شرکت فرانسوی "لوسر" به جمهوری اسلامی و متوقف شدن چندین کشتی حامل مهمات در بندر "شورک" فرانسه و توقیف

روزنامه بلژیکی "لوسور" در شماره ۶ فوریه فاش کرد که جمهوری اسلامی به وسیله دوشبکه اروپا می، یکی از طریق بندر بلژیکی "زبروز" مهمات فرانسوی سلاح به جمهوری اسلامی است از دادن هرگونه توضیحی در این باره خودداری کردند. یادآوری می کنیم که پس از نخستین افشاکری ها دربار ره فروش سلاح به بلژیک به رژیم تهران "لوتیندمن" وزیر امور خارجه بلژیک، دو ماه قبسل دستور داد تحقیقاتی در این باره آغاز شود. به نوشته روزنامه "لوسور"، افشاح قرون مهمات از سوی شرکت فرانسوی "لوسر" به جمهوری اسلامی و متوقف شدن چندین کشتی حامل مهمات در بندر "شورک" فرانسه و توقیف

شرکت لوسور سال گذشته نیز از سوی مجله اکسپرس چاپ فرانسه متهم شده بود که از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ تعداد ۴۵ هزار کتوله خمپاره و توپ به جمهوری اسلامی فروخته است. روزنامه لوسور چاپ بلژیک می افزاید: پس از آن که "ژاک شیراک" نخست وزیر فرانسه اند سلاح فروشان فرانسوی در سرا سرال گذشته میلادی مقادیر مهمی جنگ افزار از طریق بندر بلژیکی "زبروز" به جمهوری اسلامی تحویل داده اند.

نشانی: QYAM IRAN C/O G.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد